

کارگر امروز

نشریه انترباشیو نالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.4, No.41, November 1993

سال چهارم، شماره ۴۱، آبان ۱۳۷۲

اعتصاب موفق کارگران ایر فرانس



که حدود ۲۰ درصد کارگران فرانسه به تهدیدشان در کشاندن اعتصاب به بخش های ادامه دادند. *

که حدود ۲۰ درصد کارگران را نمایندگی می کنند خواهان تضمین کنندی در مورد ملکی شدن طرح بیکارسازی و پرداخت حقوق کارگران در طی اعتصاب شدند.

اسپانیا،

تظاهرات عمومی علیه دولت

وادرد. اما فراخوان تظاهرات سراسری از سوی اتحادیه های بیانگر اوج گیری میتوخ است. این اتحادیه های کارگری مقامات و کارفرمایان اسپانیا هرگز دارند که روحیه مبارزه جوئی کارگران اسپانیا تحت تاثیر مبارزات کارگران ایر فرانس در فرانسه تشدید شود. یکی از صاحبان صنایع اسپانیا در این مردم گفت: عقب نشینی در ایر فرانس برای ما خوب بد است زیرا ما باید تمام کارهائی را که دولت فرانسه می باشد میگردیم. رهبر یک اتحادیه که تحت رهبری حزب کمونیست است گفت: این دولت است که در مذاکرات اخلال می کند و نه ما. دولت به پنیش دستمزد پایین تر از سطح تورم در طی سه سال آینده، و همچنین تغییر در قوانین کار جهت کاهش هزینه اخراج ها

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۷ اکتبر، اتحادیه های کارگری اسپانیا علیه سیاست های اقتصادی دولت فراخوان یک تظاهرات عمومی در سراسر کشور را برای روز ۲۵ نوامبر دادند. روز ۲۷ اکتبر، رهبران اتحادیه های کارگری اسپانیا به اعتصاب پیوستند و اتحادیه های اعلام نمودند که دامنه اعتصاب را به بخش های خدمات عمومی خواهند کشید زیرا دیگر بخش های خدمات دولتی نیز در معرض بیکارسازی قرار دارند. روز ۲۷ اکتبر، قرار شد که اتحادیه های و رئیس ایر فرانس در اوائل نوامبر به مذاکره بپوشند. اتحادیه افغان که بیش از ۳۵ درصد از کارگران ایر فرانس را نمایندگی می کند از اعضاش خواست که به سرکار بازگردند. دولت اتحادیه ثبت و ثافت

فولکس واگن آلمان،

۴ روز کار در هفته

۳۰ دو صد بیکاری

کمپانی فولکس واگن هشدار داد که اگر کارگران کاهش دستمزد و فقط چهار روز کار در هفته را پذیرند، ۳۰ درصد از نیروی کارش را بیکار خواهد کرد! کمپانی فولکس واگن اعلام نمود که در سال ۱۹۹۴ به ۱۰۳ هزار کارگر و تا آخر سال ۱۹۹۵، تنها ۷۲ هزار کارگر نیاز خواهد داشت.

اصحابه با بوریس کاگارلیتسکی

روسیه، یلتین و غرب

صفحه ۱۱

اعتصاب ایر فرانس

فرانسه را پنجر میکند

صفحه ۱۰

اتحادیه ها در اروپا — شباختها و تفاوتها

صفحه ۶

وضع کارگران در گرستان

صفحه ۹

اعتصاب کارگری علیه تعویق پرداخت دستمزد

* کارگران کارخانه تریکو پوشک ایلام خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند.

حدود شش ماه است که کارگران کارخانه تریکو پوشک ایلام متعلق به کارخانجات کشمیران وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان در بلاتکلیفی پسر میبرند و حدود سه ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

کارگران این کارخانه که ۹۰ نفر هستند تاکنون چندین بار دست به اعتراض زده اند.

* کارگران "مجتمع صنعتی شهید باهنر" که ۱۳۰ کارگر دارد در نیمه اول شهریور علیه تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست به یک تجمع اعتراضی زدند

* کارگران اتویوسرانی ارومیه در شهریور

فراخوان اعتصاب عمومی در آفریقای جنوبی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۷ اکتبر، کمکه اتحادیه های مطالبات کوساتو دمکراتیزه شدن شرایط کار کارگران دولت است. اعتراض به طرح قانون اساسی در مورد حقوق کارگران و مطالبه تغییر آن، برای روز ۱۸ نوامبر فراخوان اعتصاب سراسری داد. گزارش تایمز مالی، کوساتو که بیش از ۱/۲ میلیون عضو دارد، مشخصا خواهان تغییر ماده ای در قانون اساسی است که به کارگران اجازه میدهد که کارخانه را بروی

اسرائیل،

بستن فرودگاه در اعتراض به بیکارسازی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۲ اکتبر، کارگران خشمگین در صنایع هوایپیمانی اسرائیل راههای ورودی به فرودگاه تل اویو را در اعتراض به برنامه بیکارسازی کارگران بستند و دست به تظاهرات زدند. به گفته پلیس اسرائیل، بین ۵ تا ۶ هزار کارگر به مدت سه ساعت فرودگاه را بستند

اصحابه با بوریس کاگارلیتسکی

روسیه، یلتین و غرب

صفحه ۱۱

اعتصاب ایر فرانس

فرانسه را پنجر میکند

صفحه ۱۰

اتحادیه ها در اروپا — شباختها و تفاوتها

صفحه ۶

وضع کارگران در گرستان

صفحه ۹

نامه ای از ایران واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی

موایمایی دایر کنند و بطور نمونه خط موایی ماهان ایر بعد از این دعوت کردن ها توسط چند سرمایه دار کرمانی دایر شد. منظور اینست که ما در زمینه های اساسی مثل راهسازی (فرودگاه سازی و خطوط تلفن) با دعوت سرمایه داران برای سرمایه گذاری روپرتو هستیم. در این رابطه زمینه هایی چون آموزش و پژوهش و بهداشت از جانب بخش خصوصی با استقبال پیشتری مواجه شد زیرا سود آوری تضمین شده تر بود. طرف با گرفتن مجوز یک مدرسه غیر انتفاعی و گرفتن سالی صدیقه هزار تومان شهریه از یک داشت آموز، (مدرسه ای میتواند سود کلانی به این وارد میشوند) توان مقاومت ندارد. این رژیم تصمیم گرفت که سهام این کارخانجات را در بازار پژوهش پرساند و یک نوع سرمایه داری حیث بزند. در بخش هایی چون فروگاه سازی و راهسازی قضیه شکل دیگر پیدا کرده است. در این بخش ها بانک وارد عمل شده و برای مثال در فاصله قزوین - تبریز اتوبان میسازد. و یا انجام پروژه متروی تهران به سه تا بانک سپرده شده است. همچنین موستاتی مثل بیمه های اجتماعی بعنوان سرمایه دار خصوصی وارد عمل شده و سرمایه گذاری میکنند. بطور مثال بیمه های اجتماعی کشتی خرید و دارد نفت صندوق دارد و در آن پول خوابیده راهسازی اتوبان کاشان را بهره گرفته است. خلاصه سرمایه خصوصی در ایران امروز دارد به این شکل کار میکند. بینین ترتیب بخش خصوصی در آن بخش هایی با دولت قرار داد میبیند که سود آوری آن عاجل است. و در کل روند خصوصی شدن در ایران با این انتظار که سرمایه داران بیانند و کارخانجات را بخورد پیش نرفته بلکه این روند بشکل واگذاری بخش دولتی به سازمانهای وابسته به دولت که سرمایه های مردم در آن ایشان شده است نظریه بانکها و بیمه های اجتماعی و غیره دارد عمل میکنند. بطور مثال بیمه های اجتماعی یکی از بزرگترین سرمایه گذاریهای ایران محسوب میشود و اخیراً با خردمندان سهام کارخانه پارس الکتریک که در حال بسته شدن بود، به داشت رسید. و در مجموع در بخش های اتومبیل سازی و صنایع تلویزیون و یخچال و وسائل خانگی سرمایه گذاری کرده است. بنابراین جالب اینجاست که همین بیمه های اجتماعی که اساساً سرمایه آن متعلق به کارگران است، با اینهمه سرمایه گذاریش وقتی میخواهد به کارگری و امنی صدهزار تومانی بدهد پوست از کله اش میکند و هزار باری بسرش در می آورد. خلاصه کلام اینکه لازمه واگذاری کارخانجات دولتی به بخش خصوصی در عمله اول اقتصادی شدن آنهاست و اولین قدم برای اینکار اخراج وسیع کارگران در این کارخانجات تحت عنوان طرح تعديل نیروی انسانی و کاهش هزینه تولید بوده است. این است آن روند واقعی خصوصی شدن کارخانجات در ایران که ما امروز شاهد آن هستیم.

علاوه بر خواست افزایش دستمزدها کارگران چه مطالبات دیگری را مطرح میکنند؟

کارگران برای تغییر و تحول در اوضاع و شرایطشان همیشه خواستها و مطالباتی دارند. کارگران در ایران امروز بطور جدی از حق تشکل، حق اعتصاب، حق داشتن نمایندگان واقعی خود حرف میزنند و نداشتن این حقوق اولیه را معضل خود میدانند. و جدا از خواست افزایش دستمزد، همین امروز کارگران خواستهایی چون اجرای طرح طبقه پندی شاغل، افزایش حق مسکن، افزایش حق اولاد و کمکهای غیر ثابت تحت عنوان کالاهای اساسی و مورد احتیاج روزمره شان را طرح میکنند. این خواستها در واقع ب نوعی دیگر با خواست افزایش دستمزدها و غیر ممکن بودن آن به این راسته باشد. کارگران قرار دارد. از روزی ترور موجود در جامعه همراهانی نداشته است. قدرت خود کارگران روز به روز کاهش یافته و مصائب و مشکلات فراوانی که بگیرد آنها شده است. از اینرو خواست افزایش دستمزد بعنوان یک مطالبه در دستور کار دانشی کارگران قرار دارد. از جمله علیرغم بیکار سازیهای گسترده اخیر، خواست افزایش دستمزدها موضوع اعتراض هر روزه کارگری خود رفع میبرند. رهبران کمینست و رادیکال کارگری نیز بطور میبرند. آنها وقتی درآمدشان را با همکارانی رژیم نیز شده است. افزایش دستمزد از جانب رژیم میشه حالت یک صدقه را داشته تا افزایش دستمزد که بتواند گریز را از مشکلات کارگران باز کند و این باعث نیز شدن تحقیر به کارگر است. هر سال یک کوچک نزدیکی کارگران بر مبلغ ناچیز بینوند مشورت کارگران بر دستمزدها افزوده میشود و در کنارش هم مبلغ زیادی بصورت افزایش حق بیمه و غیره از آن کسر میکند. بطوریکه با یک دست میدهند و با دو دست باز پس میگیرند.

سیاست اقتصادی و قسنگانی چه تاثیری در وضعیت کارگران داشته است؟

کارگران نسبت به این وضعیت اظهار نگرانی میکنند. آنها وقتی درآمدشان را با همکاران اور زندگی بپروردیدن تک نرخی سراسام اور زندگی بپروردیدن میکنند و مشکلات را از مقایسه میکنند متوجه اختلاف کارخانجاتی مانند ایران پویلین و نساجی های بزرگ آمدند سهامشان را به شکل خود در آوردند و در بازار فروختند. بدین ترتیب روند خصوصی کردن کارخانجات توسعه داشت ناگزیر با یک موج جدیدی از بالا کارگران شده است. نتیجه این سیاستها بی مسکنی، زدن از هزینه خوارک، پوشک، و پایین آمدن سطح زندگی کارگران بدین که واقعاً شایسته زندگی یک انسان نیست، بوده است. بعلاوه اینکه دلهه و اضطراب از سمت بازار آزاد است و راه نجات اقتصاد و روشکسته خود را در این میبینند. امروز حتی صحبت از خصوصی شدن بخش های کارگران را باید به این وضعیت اضافه کرد.

بقیه در صفحه ۱۲

کارگران ایران و خواست افزایش دستمزد

به یک مساله گرهی در جنبش کارگری تبدیل شده است. سوال من اینست که حول خواست افزایش دستمزد چه اعتراضاتی صورت گرفت و عکس العمل رژیم چه بود؟

جنبس کارگری ایران امروز چه مشخصه ای دارد؟

جنبس کارگری ایران امروز از جانب رژیم هیچگاه با سطح ترور موجود در جامعه همراهانی نداشته است. قدرت خود کارگران روز به روز کاهش یافته و مصائب و مشکلات فراوانی که بگیرد آنها شده است. از اینرو خواست افزایش دستمزد بعنوان یک مطالبه در دستور کار دانشی کارگران قرار دارد. از جمله علیرغم بیکار سازیهای گسترده اخیر، خواست افزایش دستمزدها موضوع اعتراض هر روزه کارگری خود رفع میبرند. رهبران کمینست و رادیکال کارگری نیز بطور میبرند. آنها وقتی درآمدشان را با همکارانی رژیم نیز شده است. افزایش دستمزد از جانب رژیم میشه حالت یک صدقه را داشته تا افزایش دستمزد که بتواند گریز را از مشکلات کارگران باز کند و این بیشترین تحقیر به کارگر است. هر سال یک طبقه کارگر از شکل سراسری خود محروم است، اعتراضات کمایش صورت میگیرد و نهایتاً به شکل اعتراضات کوتاه مدت خود را در صحنه نمایان میسازد.

با ترک نزد شدن از و افزایش هر روزه قیمت کالاهای مساله دستمزد در سال ۷۲

استثناء شدید کارگران کوره پزخانه ها

* کارگران کوره پزخانه یکی از محرومترین و سال است در کوره پزخانه های طبقه کارگر ایران هستند و هم اکنون زیر فشار استمنای شیار شدید و بیان ترین سطح معیشت به زندگی خود ادامه میدهند. روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی در شماره های ۲۲ و ۲۰ مهر ماه خود با تعدادی از کارگران یک کوره پزخانه گفتگویی داشت که قسمت هایی از آنرا میخواهند.

* یکی از کارگران که ۲۶ سال دارد: از پانزده سالگی در کوره پزخانه کار گردد. ام کار در کوره بیش از اندازه سخت است و حقوق آن ناچیز. تابستانها گرامی کوره طاقت فرساست. بخصوص برای ما که بدون میخواهند.

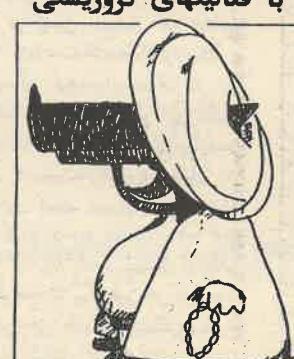
* کارگر دیگری که ۲۲ سال دارد: از ۲۴ ساعت ۹ الی ۵ ساعت بیشتر کار میکنم. مسنویت کوره سوزاندن خیلی مشکل است. کارگر در مقابل کارفرما میشه مطیع کار میکند: از صبح تا هفت غروب کار یا یا حقوق بکمی فروا حکم اخراج میگیریم. ۴۵ سال در کوره بیش از آنرا شده ولی همیشه هم حق بیمه از او کسر شده ام کارفرما حق بیمه او را نپرداخته و اکنون هیچ مزایایی به او تعلق نمیگیرد و با وجود ضعف بینایی و هزار مرض دیگر و با ۷۷ سال سن هم اکنون نگهبان یک شرکت است و تا صبح نگهبانی میدهد.

* کارگر دیگری که با پرسش در آن کوره کار میکند: ۴۵ سال سن دارد و پانزده سال است اینجا کار میکنم. قبل از کار ساخته ای که میگردیم، بیمه نیست. از ساعت ۴ صبح تا کوره پزخانه کار میکنم. روزانه حدود ۴۰۰ تومان حقوق میگیرم. روزانه حدود ۱۴ ساعت کنترالی دارد و بر اساس کارمان به ما حقوق میدهند. یعنی اینکه کار کوره ساختنی نیست بلکه هر چه بیشتر کار کنیم ۲۲ سال سن دارد: از دوازده سالگی در کوره پزخانه های کار میکنم. ولی حبود یکسال است که حق بیمه ام پرداخت شده است. کار کوره پزخانه سیار سخت است. سختی آن به اندازه ای است که اگر کارگری سه روز استراحت کند تا کند باشیست سه روز استراحت کند تا خستگی آن رفع شود. ما در حال حاضر روزانه ۹ ساعت و نیم کار میکنیم و هشتصد تومان حقوق میگیریم. ولی آخر هفته دو هزار چهارصد تا پانصد تومان بیشتر باقی نمیماند. من، براورم، و پدرم در تیجه این اعتراضات به کارگران و عده داده شد که کارشناسی از سوی وزارت کار به مساله رسیدگی خواهد کرد.

این شرکت دارای ۸۲ کارگر است که در بخش های تراشکاری، پرداخت، بسته بندی و ساخت میخ استغال دارند.

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران شرکت میخ سازی ایران علیه تاچیز بودن حق بیمه و عدم رعایت تساوی در پرداخت آن در میان کارگران دست به اعتراض زدند. در تیجه این اعتراضات به کارگران و عده کوره پزخانه های اینست که کار آنان داشتند و بایستی چند ماه از سال را بیکار باشند و چون معمولاً بیمه نیستم بایستی مبلغی که در چند ماه بیکاری خود کرد، باشند و چون معمولاً بیمه نیستم بایستی در چند ماه بیکاری خود کنند.

مجموعه استنادی در رابطه با فعالیتهای ترویجیستی



دولت جمهوری اسلامی ایران
۱۹۹۳

NKLL
Box 6040
424 06 Angered
Sweden

كتاب "مجموعه استنادی در رابطه با فعالیتهای ترویجیستی دولت جمهوری اسلامی" نوشته بهزام رحمانی منتشر شد. بهای این کتاب که ۱۴۲ صفحه است معادل ۲۰ کرون سوئد و با هزینه پست ۴۵ کرون سوئد است. علاقه مندان دریافت این کتاب میتوانند با آدرس زیر تماس بگیرند.

postgiro 4759762 - 0

دینای کارگران

۱۳۷۲، ندیه ۱۲



- در پاره و ایله ایران + آموزنا
- پیشی و مکاری
- ملک در خاورمیانه
- اوروپ فعال جنبش کارگری در کوستانتینوپل
- مراک معموم ششم شواری و انصاف کارگران است
- جزو کمیونیست کارگری هر آنچه تشکیل شد
- مصاحبه با طلاق از طایفین غایرگز
- مشارک از جن. همیشگی پیشاست
- تشکیل حزب کمیونیست کارگری مراک
- در چشم چهارمی اسلامی -
- تعباد بجهیز کارگر و گروه شان از ایران
- فیلسوفی پیر العالی کارگری

دولت فرانسه و حذف سیستم ساعات کار هفتگی

خانوادگی را هم دچار اختلال می‌سازد. این طرح بصورت لایحه دولتی از تصویب پارلمان میگذرد و در مذاکره میان کارفرمها و اتحادیه‌های کارگری حل و فصل نخواهد شد. "ثوت" بعنوان بزرگترین اتحادیه کارگران در فرانسه با این طرح مخالف است. "ثافدت" اتحادیه وابسته به سوسیالیستها موافق این طرح است و آماده است برای کاهش دستمزدها با کارفرمها مکاری کند. آنها معتقدند که مزدگیران هم باید سهمی در تغییر اوضاع داشته باشند و از خود مایه بگذرانند! و خود را با خواسته‌ای کارفرمها پس از تصویب این طرح وفق دهنند. آنان در مقابله با خطر اعتراض کارگران میگیرند اگر با چشم دیگر به اوضاع بنگریم، لزوم همبستگی بیش از هر زمان دیگری اشکار است تا همه از تکه نانی که باقی مانده سهمی داشته باشیم. *

افزایش بیکاری در کشورهای بازار مشترک

مرکز خبری کارگر امروز: بیکاری در سیان کارگران کشورهای عضو بازار مشترک نسبت به ماه اوت سال گذشته ۱ درصد افزایش یافت. بالاترین رقم بیکاری در اسپانیاست که از ۱۸/۱ به ۲۱/۲ درصد افزایش یافت. بیکاری در میان مردان جوان زیر ۲۵ سال از ۱۷/۳ به ۱۸/۴ درصد و درصد زنان جوان بیکار از ۱۹/۳ به ۱۹/۷ درصد افزایش یافت.

فرانسه ۱۱/۷، دانمارک ۱۰/۶، بریتانیا ۱۱/۳، بلژیک ۹/۵ درصد بیکار وجود دارد. پاسین ترسین رقم بیکاری در لوکزامبورگ با ۲۶ درصد است. آمار بیکاری در بازار مشترک ۱۰/۴ درصد نیروی کار است. *

تشکیل شورای کار در کمپانی فورد

قرار است که یک شورای کار در سطح اروپا در کمپانی فورد تشکیل شود. این شورا مشکل از نمایندگان کارگران کارخانه‌های کمپانی فورد در بریتانیا، آلمان، پرتغال، اسپانیا و بلژیک خواهد بود. در حال حاضر حدود ۲۵ شورای کار در سطح اروپا وجود دارد. تا بحال کمپانی فورد با تشکیل یک شورای واحد در سطح اروپا مخالفت نمی‌زیده بود. *

بریتانیا، اعتصاب برای افزایش دستمزد مرکز خبری کارگر امروز: کارگران تیمز واتر در اعتراض به پیشنهاد کارفرمای مبنی بر ۱/۹ درصد افزایش دستمزد در مورد اعتراض رای گیری می‌کنند. به گزارش تایمزمالی، پنج اتحادیه کارگری که ۷ هزار کارگر این کمپانی را نمایندگی می‌کنند پیشنهاد مدیریت را نهیفیرنند و همزمان بر مطالبه شان یعنی ۶ درصد افزایش دستمزد پاششاری می‌کنند. سود سالانه این کمپانی ۲۵۱ میلیون پاوند اعلام شده است.

اعتصاب کارگران راه آهن فرانسه

روز سوم اکتبر، کارگران راه آهن فرانسه در اعتراض به انجام دستمزدهایشان یک کردند. همزمان با اعتصاب چهار روزه را آغاز شهر پاریس دست به تظاهرات زدند. *

بلوک،

اعتصاب علیه برنامه ریاضت کشی دولت

علیه بیکارسازی و کاهش دستمزد

مرکز خبری کارگر امروز: علیرغم تلاش کمپانی‌ها در کاهش دستمزدها، در دور جدید مذاکرات امسال مجمع عمومی گنبدراپیون اتحادیه کارگری رنگر با پیش از ۱۲/۵ درصد کل نیروی کارگر، اتحادیه‌های کارگری ژاپن از کارفرمها خواستند تا از بیکارسازی و کاهش دستمزدها خودداری کنند. این حرکت غیر سنتی به گزارش تایمزمالی، این حرکت یا بانگر جو تنفس در جنبش کارگری ژاپن یا بانگر جو تنفس در جدیدی میان کارگران و کارفرمهاست. برنامه این در افزایش سن بازنیستگی از رئیس گنبدراپیون رنگر، آگیرا یاگامیشی، *

ایتالیا،

اعتصاب عمومی علیه برنامه اقتصادی دولت

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۸ اکتبر، به فراخوان اتحادیه‌های کارگری ایتالیا، در اعتراض به برنامه ریاضت کشی اقتصادی دولت در سال ۹۴، کارگران بخش خدمات، صنایع و بانک‌ها دست به اعتصاب عمومی ۹۰ به ۶۵ سال خودداری کنند. *

به گزارش تایمزمالی، اعتصاب عمومی کارگران با تظاهرات‌های وسیع در شهرهای بزرگ ایتالیا همراه بود. در این تظاهرات‌ها رهبران اتحادیه سیاست اقتصادی دولت و تنظیم بودجه سال ۹۴ را محکوم کردند. برنامه جدید کاهش حق بازنیستگی، بیکارسازی و کاهش افزایش دستمزد کارگران بخش خدمات را در سال ۹۴ بدنبال خواهد داشت. اعتراض روز ۲۸ اکتبر، بدنبال یک سلسله اعتراضات کارگری در ایتالیا صورت گرفت. کارگران بخش صنایع شیمیائی در اعتراض به بیکارسازی ۲۰ درصد از نیروی کار در این صنایع یک روز دست از کار کشیدند. در ماه سپتامبر، کارگران "ایشنس" در جنوب ایتالیا، یک کارخانه را اشغال کردند و این مستله به جو رادیکالیسم کارگری در سراسر کشور دامن زد. در ماه آوریل در اعتراض به افزایش بیکاری و کاهش دستمزد کارگران به نسبت نزخ ترورم کارگران ایتالیا چهار بار دست به اعتصاب عمومی زدند. *

یک دیگر از موارد اعتراضی اتحادیه‌های کارگری مستله نادلالی در سیستم مالیاتی در ایتالیا است. در حال حاضر در پارلمان ایتالیا بخشی در مورد برقراری "حداقل مالیات" در جریان است.

قرارداد جدید کارگران جنرال موتورز آمریکا

مرکز خبری کارگر امروز: قرارداد قبلي کار در جنرال موتورز خواهد شد که در ماه گذشته به اتمام رسید. نکات قرارداد جدید در جنرال موتورز با قرارداد اخیر کارگران اتومبیل سازی فورد در سه ساله کار موافقت کرد. به گزارش تایمزمالی، قرارداد جدید که قرار است به توافق این هزار کارگر عضو اتحادیه کارگران اتومبیل سازی بررسد از مهرماه کارگران اتومبیل سازی که بیش از ۳۰ سال سابقه کار دارند ۱۲ درصد افزایش پیامبیل سازی جهان جلوگیری کرد. این قرارداد که پس از ۱۶ ساعت مذاکره میان کمپانی و اتحادیه کسب شد جایگزین

دور جدید مبارزات فلزگاران آلمان

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال مذاکرات با کارفرمایان، کلاوس سویکل در طی مذاکرات، مستله تضمین شغلی برای رهبر اتحادیه در اولیت قرار داشت. او با کارگران کوتاه مدت و هرگونه کاهش ساعت کار دارطلبانه در ازای حفظ مشاغل موافقت کرد. افزایش دستمزد مورد نظر کنگره اتحادیه اعلام کرد که ما فرو باید خودمان را برای هر فرم از اعتراض حقوق بازار اوری توییل است. به گفته اتحادیه کارگران آلمان هشدار داد که اگر کارفرمایان هزار شغل از بین خواهد رفت و بیکارسازی پاکشایی کنند، اتحادیه بیرونیانه سرخست" اسپانیا،

تظاهرات عمومی علیه دولت

مرکز خبری کارگر امروز: مصمم است تا محدودیت در دستمزدها و رفته‌های بازار کار را، حتی بدون موافقت اتحادیه، تا آخر سال عملی کند. در روز ۲۷ اکتبر، هزار کارگر فولاد اسپانیا رو به افزایش است. کمپانی دولتی فولکس واگن در اعتراض به اخراج ها دست به قبلاً تفاوقات سخاوتمندانه تری با کارگران فولاد کرده بود با برنامه دولتی از عقب نشسته است. رهبران اتحادیه کمپانی‌های "پی.اس.آی."، "کاسا"، و کارخانه ایرواسپیس بدنبال دیدار با مدیریت

کشور و متوجه پاریس را تعطیل کردند. روز ۱۲ اکتبر، کارگران بخش خدمات عمومی فرانسه در اعتراض به محدودیت برخی از پروازها را لغو کردند. حدود دو سوم کارگران فرانس تله کام در سرکار حاضر نشندند. علاوه بر اعتراض به بیکارسازی ها و مطالبه افزایش دستمزد، مستله خدمات پست و تله کمونیکاسیون شرکت داشتند. جمله خدمات پست و تله کمونیکاسیون مورد اعتراض کارگران در این اعتراض بود. *

مصالحه اتحادیه های کارگری و دولت

نگاهی به تحولات اخیر در اتحادیه های کارگری سوئد

اعظم کم گویان

اتحادیه ها به کارکنان این مراکز وعده دادند که میتوانند از کارخانجاتی که سهام آن به کارکنانش تعلق دارد، سهام بخزنند و در آنجا صاحب سهام گردند. مجموعاً این اوضاع اختلالاتی چه در میان گروههای مختلف کارگری و چه در میان اتحادیه های مختلف بوجود آورده است. این اقدامات البته در بسیاری از مراکز کارگری مانعی در مقابل نیکاراگوئه نبوده و در اغلب موارد بین نصف تا یک سوم کارگران در مراکزی که با سهام کارگران اداره میشوند، نیکار گشته اند. علاوه بر این اتحادیه وابسته به ساندینیستها در بسیاری موارد خرد سهام را به کارکنان مراکز تولیدی و صنعتی تحمیل کرده و موجبات ناراضایتی فراوانی در میان آنان ایجاد کرده و در برض موارد کارکنان را بخطه خود با این اتحادیه را قطع کرده اند.

قطعه، فقر فزاینده و اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی وجه مشخصه های نیکاراگوئه امروز را تشکیل میدهد. دهها هزار کودک در فقر مطلق سر میبرند. عده های دولت دست راست و بیویت چامورو در زمینه نوسازی و بازسازی اقتصادی و سیاسی نیکاراگوئه تنها موج افزایش فقر و زیاد شدن تعداد کودکان خیابانی در مانگوا شده است.

سیاستهای پانک جهانی و صندوق بین المللی پول در نیکاراگوئه اوضاع نیکاراگوئه را بیش از پیش ویران کرده است. نیکاری ۵۰ تا ۶۰ درصد و در برخی مناطق ۸۰ درصد است و همه شوادر بر یک اتفاق عیق اجتماعی دلالت میکنند. اقتصاد نیکاراگوئه که متکی بر صادرات محصولات کشاورزی بود، اکنون با کمبود شدید مواد غذایی روپرورت و دفقاتان در ورشکستگی و فقر مطلق سر میبرند.

دانیل اورتگا رهبر ساندینیستها اقدام اخیر اتحادیه های وابسته به ساندینیستها را ندم مهمن در بهیم کردن مردم نیکاراگوئه در سرنوشت سیاسی شان و برقراری دمکراسی اقتصادی و حفظ میانی و یا های انقلاب ساندینیستها در نیکاراگوئه خواند. *

مرکز خبری کارگر امروز: خصوصی سازی موسسات و مراکز صنعتی وابسته به دولت، تاکنون به نیکاراگوئه منجر شده است. این اقدامات با اعتراضات سراسری و یکپارچه کارگران روپرور شد.

پس از پیروزی انتلاف راست به رهبری و بیویت چامورو در سال ۱۹۹۰، دولت بخش اساسی اقتصاد در نیکاراگوئه را خصوصی کرد. این موسسات توسعه ساندینیستها در دهه هشتاد می شده بودند.

اعتصابات عمومی و تظاهرات توده ای و سراسری یکی پس از دیگری در اعتراض به کارگران در این جوامع علمی و از بین رفتن مرز بین این دو، وجود دو شکل غیر اتحادیه ای دستگیر و زندانی شدند.

دولت چامورو که با وعده نوسازی و بازسازی اقتصاد سرکار آمد بود و توانست با خشونت کارگران را آرام کند، کنفرادسیون اتحادیه های نیکاراگوئه، اینان را که در آن اتحادیه های وابسته به ساندینیستها اکثریت را تشکیل میدهد به مذاکره فراخواند. طرح دولت در این مذاکرات سهیم کردن کارگران در ۲۵ درصد سهام کارخانجاتی بود که قرار بود خصوصی گردد.

طرح افاده ای و اتحادیه های وابسته به ساندینیستها این بود که مالکیت ۲۵ درصد سهام بیفایده خواهد بود و خواهان تعلق ملی گردیدند. اما یکی از طرفین با مخالفت و بخش خیبک از طرفین با مخالفت و سیاست و سیستم

ایستگ مال میگوید: "ما با پیش خواهند شد. حتی اتحادیه های چهاردهمین سال قبل یعنی از زمانی که جنبش اتحادیه ای سوئد آغاز گردید، قدریم و اکنون آنها از ما انتقام میگیرند."

اما یکی از ساندینیستها این بود که مذکور شد. در ۲۰۰۰ هم زند بماند. این

شکل سازماندهی موانعی برای فعالیت

اعضا، وجود زنان به بازار کار، مکانیزه و عقلایی شدن صنعت و رشد تکنولوژی و اتفاقاً ارتباطات و تغییر ساختار فیزیکی و اجتماعی جامعه، سازماندهی ما به شکل قیمی و سابق خود ادامه میدهد. این

در دهه ۹۰ فعال خواهد شد. این بود که بنویه خود موجب جهتگیریها و اقدامات اخیر اتحادیه های کارگری میگردد. در

کارگری سوئد پیانک دوری و فاصله هرجه بیشتر اتحادیه های از منافع کارگران و همراهی با سرمایه داران و قرار گرفتن در مقابله کارگران است. نقش سوسیال

دموکراسی و اتحادیه های از استشارهای کارشناسان و سیاستمداران راست و محافظه

کار و رسانه های جمعی از رفته های سیاسی و سازمانی در ساختار اتحادیه های

مختلف رونق یا رکود اقتصادی بعنوان واسطه میان کارگران و کارفرمایان در اند، از این تصمیمات ناراضی هستند. اما

کارفرمایان می بینند.

طبق نظر رئیس اتحادیه فلزکاران، نقش الای او باید بطور رادیکالی تغییر کند. بمنظور او بخش بزرگی از فعالیت الای در سطح

کنفرانس را میتوان بد یک شرک تبدیل کرد.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، همین نقش را هم از

کارگر را در بر میگیرد، هستند.

بسیاری از کارکنان سهیم کارگری که همچنان در دست سرمایه داران و قرار گرفته اند، از این تصمیمات ناراضی هستند. اما

کارگر را در بر میگیرد، هستند.

بنظر ساندینیستها این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

این بود که میگیرد، همین نقش را هم از این بود که میگیرد، هستند.

كما في المدح

خرید بیشتر است. در ایران هر روزه از طرف سرمایه داران سطح معیشت کارگران مسود تعریض قرار میگیرد و این مبارزه دائمی کارگران است. همچنین کارگران حق هیچگونه تشکلی را ندارند، برای مثال رژیم جمهوری اسلامی در کردستان نیز به تشکل کارگران یعنی اتحادیه صنعتگر سنتنچ حمله برد، فعالین آنرا دستگیر و اعدام کرد. از جمله اعدام چمال جراج ویسی را میتوان نام
تحت فشار فقر و فلاکت شدید و بیکاری در کردستان اضافه کاری و شغل دوم در بین کارگران وسیعاً رواج دارد و همین وضعیت باعث شده که ساعت کار کارگران عملاً دو تا دوازده ساعت و گاهای بیشتر از این باشد.

در رابطه با دستمزدها، در واقعیت با توجه به تعیین و وضعیت دستمزدها چگونه است؟ همچنین ساعت کار در بخش‌های مختلف چگونه است؟

مال که از تشکل کارگران صحبت گردید
کارگران تا چه حد خواهان مشکل شدن
ستند؟

با وجود ممنوعیت هر نوع تشکل کارگری در ایران، کارگران همواره با اعتراض و اعتراض و برگزاری مراسم‌های کارگری اول ماه مه در شهرهای سنتنج و سقز در سالهای متولی از جمله اول ماه مه سنتنج در سال ۶۶ در پاساز عزتی، سال ۶۷ در مدرسه رنج آوری، سال ۶۸ در سالن تختی محله فیض آباد، روز جهانی زن در کوه آییند و جشن گرفتن اول ماه مه در جمعهای مخلفی در تفریحگاه‌های شهر و در شهر سقز در تفریحگاه آستان در مسیر جاده سقز - دیواندره ... در تمام این اجتماعات کارگران در تلاش برای تشکل مستقل خود بوده‌اند. نمونه برخسته اش اتحادیه صنعتگر سنتنج است که نمونه ای از تشکل و اتحاد و همبستگی کارگری بود. همچنین مجامع عمومی موقت در کارخانه‌ها بخصوص در کارخانه شاهرو در سنتنج که نقطه اندکا کارگران در اعتراضات بود و به مانند کمیته رهبری اعتضاب کارگران عمل کرده و نقش کلیدی در اعتراضات کارگران داشته است.

در مورد تشکیل صندوقهای همبستگی کارگری چه نمونه هایی دارید و شیوه کار آنها چگونه است؟

برای نهونه صندوق همیستگی مالی محله حاجی آباد سنتنچ را نام میبرم. صندوق با بینکار رفقاء کارگر از جمله، رفیق جمال هراغ ویسی تشکیل شد و وظایفی از قبیل: خواندن آثار مارکس و نشریات حزب مکونیست ایران، تهیه کمک های مالی برای اسرائیلیان کارگری و خانواده های زندانیان میباشی و کارگران، تشکیل کلاس سوادآموزی در محله و نوشتن شعار به مناسبتی روز اول ماه مه و روز جهان زنان و کارهایی دیگر را بر عهده داشت. برای عضویت در صندوق داشتن دو معرف لازم بود. صندوق هر دو هفته یک جلسه اشت و همچنین نشیره ای داشت به اسم پیام که اخبار کارگری و اعتراضات و مصروفیتی های کارگران را منعکس مینمود. محاذل کارگری شهر ستر همین فعالیت ها را به پیش میرند.

قانون کار رژیم شامل چه بخش هایی از کارگران کردستان میشود و اجرای آن چه تغییری در وضع آنها ایجاد کرده است؟

قانون کار جمهوری اسلامی ارتقای ترقیات
کارگران کاری است که در آن هیچ چیز برای
کارگران وجود ندارد. تازه همین قانون
 فقط شامل حال کارگران شرکت‌های
 دولتی و کارخانجات می‌شود و بخش
 غیررسمی از کارگران در کردستان از هر
 قانونی محرومند. از جمله شرکت‌های
 ساختهای، شهرداریها، ساعت‌کار پیش از
 ۱۰ تا ۱۲ ساعت است. کارگاههای کوچک
 ساعت کار روزانه را به ۱۴ ساعت
 می‌رسانند. در کوره پذخانه‌ها اصلاً ساعت
 کاری وجود ندارد. اضافه کاری کارگران به
 حدی است که مساله ساعت کار مفهوم
 خود را از دست میدهد. بخش زیادی از
 کارگران کار کنتراتی می‌کنند. همچنین بیمه
 یکاری فقط به کارگران تعلق می‌گیرد که
 برابلشاغل بوده و علیرغم میل خود از
 کار اخراج شده باشند. که مدت زمان
 برداخت آن برای افراد مجرد شش ماه و
 می‌تواند بکمال است. میزان این بیمه از
 حداقل دستمزد نیز پایین تر است و به
 موجود کاف زندگی کارگران را نمی‌کند.
 گذشته که باز این قانون شامل بعض
 غیررسمی از کارگران بیکار نمی‌شود و کارگران
 بیکار در بی تامیی مطلق زندگی می‌کنند.

در مقابل این همه بی حقوقی که اشاره کردید تا کنون کارگران چه عکس العملی از خودنشان داده اند و به چه شیوه هایی بوده است؟

در مقابل این همه بی حقوقی و شرایط غیر انسانی که توسط سرمایه داران و کارفرماها به کارگران تحمیل شده است، کارگران بیکار نشسته اند و به شوه های متفاوت جهت خنثی کردن و دفاع از حق و حقوق خود مبارزه و اعتراض نموده اند، از هر فرصت بذلت آمده برای و تحمیل طباطبات و خواسته های خود و بهبود شرایط کاری عمل کرده اند. نمونه های زیادی هستند. مثلاً تشکیل اتحادیه صنعتگر. این اتحادیه توانست مبارزاتی را سازمان دهد مثل نوشتمن طومار علیه اخراجهای دسته جمعی، نوشتمن طومار جهت افزایش دستمزد و اتحادیه صنعتگر، توانست کارفرماها و صاحب کاران را وادرار کند که شاگرد هایشان را بیمه کنند، همچنین توانست برای کارگران کلاس سواد آموزی دایر نماید. در شهر سقز نیز کارگران شهرداری برای افزایش دستمزد هایشان و رسمی شدن کارگران قراردادی طوماری نوشتند و برای وزارت کار در تهران فرستادند، و توانستند موقفيتهایی را بذلت آورند. زیرا شهرداری هر ساله تعدادی کارگر

محسن فایز فعال جنبش کارگری در گفتگو با کارگر امروز: اوضاع کارگران در گردستان

میگیرد. ساعت کار این کارگاههای طولانی است و محیط کار تا بخواه پهادشی است. مثلاً از صبح ساعت کار میروند تا ساعت ۱۲ و یکساعت استراحت تا ساعت شش ظهر و گاهای بیشتر از این کار می‌در هر کارگاه ۴ استاد کار و ۲ شا میکنند. گرد و غبار ناشی از نشستن در یک جا بطرور مدارم برا محسن فایز از فعالین جنبش کارگری در کردستان است که خیرا به خارج کشور آمده است. اسماعیل ویسی از همکاران کارگر امروز با وی پیرامون مسائل کارگران کردستان گفتگویی داشته است که بخشایی از آنرا می‌خواند.

ضعیت کارگران کردستان تابعی از اوضاع کل کشور و شرایط امروز جامعه ایران و خنپش کارگری است. شرایطی که در آن بیعج تشكل کارگری برسیت شناخته میشود، دستمزدها کم و در سطح بسیار زیینی است، ساعات کار طولانی است، پمه بیکاری و پمه درمان وجود ندارد، محیط کار نامن است، از بهداشت در نکاری، که طرد، مستبه کارگان شاغلاً

بارگران گردستان بنا به شرایطی که سرمایه ااری تحییل نموده است، مرد باید نان آور خانواده پاشد و همه امکانات زندگی را امین کند. کارگر به سختی میتواند کاریه نانه اش را هر ماه به موقع پرداخت کند یا احتیاجات پچه اش را تامین کند. میتواند لباس نو برای پچه هایش بخرد، میتواند پچه اش را به مدرسه بفرستد و ای حداقل زندگی و تامین خانواده اش جبور است اضافه کاری بکند. ضمن اینکه میشه با بی حرمتی و بی حقوقی رویرو است و هر آن اخراج وی را تهدید میکند. ممکن است هر آن از کار بیکار بشود. پس چار است جهت حفظ شغل و حداقل آمدی که دارد تسامی شرایط و قید و ده را پذیرد. از دستمزد کم، ساعت

ر خود را با اضطراره کاری و...
کردستان پخش عظیمی از کارگران کارگر
ملی هستند و فقط برای مدت شش ماه
حتی کمتر در سال کار دارند. شرایط
کار در کارخانجات سخت و نا امن است.
ای نمونه کارخانه نساجی کردستان، در
تننج، از لحاظ بهداشتی بسیار نامن
است. دستگاههای تهییه آن یا خوب کار
میکنند و یا بیشتر آنها از کار افتاده
اند. این ساعث مشهد که کارگران دچار

را بمدت سه ماه پطرو قراردادی استخدام و
برای اینکه بیمه نشوند بعد از سه ماه آنها را اخراج میکرد. در این حرکت اعتراضی و با نوشتن طومار و غیره گارگران توانستند جلوی این نیرنگ شهرداری را بگند. و سا سگناد، صاسماء، مستقا

کارگری در محاذل کارگری در شهرهای سنتنچ، سقز و تحریر کردن مراسمهای دولتی و نوشتن قطعنامه ها و طرح مطالباتشان، نمونه های مهمی از عکس العمل کارگران کردستان و در صحنه پودن آنان بطور روزمره، در مقابل سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی است. همچنین از حرکات اعتراضی کارگران بیکار میتوان نام ببرد. کارگران بیکاری که تامین زندگی خود و خانواده اشان به دستفروشی روی آورده اند و هر روز در کردستان دامنه آن وسعت میباید. این کارگران هر روز تحت عنوان مبارزه با سد عبور با یورش وحشیانه مامورین شهرداریها و بورو هستند. در مقابل این یورشها از جمله در شهرهای سنتنچ و سقز شاهد مقاومت دسته جمعی کارگران بیکار بوده ایم. کارگران به اعمال و حرکات مامورین اعتراض کرده و بطور مستحبجی به آنها حمله برده و بارها اقدام به گتک کاری مامورین نموده اند. مثلا در سال ۱۳۶۸ در شهر سقز یورش شهرداری با عتراض وسیعی روی رو شد و در ادامه آن اعظامهای در مسیر خیابان میدان "له لور" نا میدان انقلاب انجام گرفت که در نتیجه بک پاسبان کشته شد و شهرداری برای مدت یکسال حتی توانست کوچکترین نشانگری به این دستفروشان و در واقع کارگران بیکار بدهد.

راحتی های این باشد که میتواند زن کارگر هم
شروع شود. این شرایط سرنوشتی جدا از مرد نیست
باید تازه با دستمزد کمتری هم کار بکند.
قالی بافی میکند، یا رخت شویی و یا
که از بجه هایش نگه داری میکند بدون
که کارگر بیکار محسوب شود و حقوقی
او تعلق گیرد. و یا همراه همسر و بجه
ایش باید در کوره های آجریزی مهاباد،
لایر، همدان، و اطراف تبریز به خشت بری
آجریزی پردازد. چنین شرایط و
وقعه هایی باعث شده که بعضًا خانواده
ای کارگری توانند به فرزندانشان برسند و
عنی آنها را در خانه تنها میگذارند. حال
بلایی بسیار بجه هایشان بسیار کس عین
باش نیست، برای نمونه در سال ۱۳۷۱
که خانواده کارگری به اسم علی شاه
حمدی که در محله کرم آباد سفر زندگی
میگردند، همراه همسرش، جهت کارگری به
زوجه های آجریزی میروروند، و دو بجه آنان
اسم هیوا و هیمن ۱۰ ساله و ۹ ساله
به مدرسه میرفتند به داخل رودخانه چم
تuron که رودخانه ایست در وسط سقز
باقتفتد و خفه میشوند. این واقعه روز
۱۳۷۱/۱۲ رخ داد و مسبب آن
جمهوری اسلامی و مناسبات سرمایه دارانه
است. محیط کار زنان کارگر در قالی
فی ها بسیار وحشتناک و استیمار بسیار
خشیانه است. مثلاً حالا در شهرهای
مرستان سرمایه داران در هر محله ای یک
ارگاه، قالی بافی ایجاد کرده اند که کار آن
نترازی است یعنی در ازای هر تخته قالی
در اندازه های متفاوت) تمام شده حتی
که سوم سود آن به کارگر زن پرداخت
میشود و فقط دستمزد بسیار ناپیزی

فرانسه را پنچر میکند

نادر بکتاش



مارس سال جاری و حاکمیت بیجون و چرای لیبرالیسم اقتصادی، دولت جدید را به صرافت «حمله نهانی» انداخت. اما اعتراض ایر فرانس نشان داد که در کنار مولفه خای چهانی و داخلی ذکر شده، روندهای دیگری در کار هستند که زمینه یک مقاومت جانانه از سوی کارگران را فراهم می‌کنند: شروع اضطراب اوترا لیبرالیسم، آمادگی کارگران پرای دست زدن به یک مبارزه رادیکال و تا به آخر، قرار گرفتن سندیکاهای در موقعیت مرگ و زندگی و تاثیر پذیر شدن آنها نسبت به رادیکالیسم کارگری از جمله این عوامل هستند.

نیت اوضاع؟

کنند با آن یکی شوند. اشغال پیست های فرودگاه که به اعتراف روزنامه ها، از تقدس ویره ای برخور دارند. آکسیونی بود که بنی شک در شرایطی دیگر مورد اعتراض و محکومیت شدید و حتی ممانعت عملی، سندیکاهای قرار می گرفت. اما در اعتضاب کارگران ایر فرانس این اقدام مورد تایید و حتی توجیه واقع شد. تن دادن آنها به معده عمده هم نموده و گذاشت

شمراه قبیل رجوع شود. اما شرایط "حمله نهانی" بورژوازی فرانسه به قانون کار و کارگران که به نظر مساعد می‌آیند دارای وجهی دیگر هم هستند.

بنظر می‌رسد اولترا لیبرالیسم که با تاپر و ریگان شروع شد و با وقایع شوری و اروپای شرقی به اوج رونق ایدنلوزیک

خود رسید تا حدی در حال پنچ شدن است. مصیبیت های انسانی و بیویه عواقب جتماعی - سیاسی ناشی از این گرایش در امریکا و انگلستان، رویگردانی توده های مردم از حاکمیت بی در و پیکر سرمایه و بازار در روسیه و اروپای شرقی که در مواردی مثل لهستان و لیتوانی به بازگشت به قدرت کوئینیست های سابق منجر شد، نتیجه های اجتماعی و نگرانی ها و ناماییدی هایی که مردم اروپای غربی را فرا گرفته، بعیتباری احزاب سیاسی کلاسیک بورژوا در پیدا کردن راه حل و تخفیف مشکلات و در صفوپ لیبرال ها هم رخنه ایجاد کرده است. حامیان آنچه در فرانسه به بیرالیسم اجتماعی موسوم است (انتقاد از ایجاد ازآاد بعلاوه حداقلی از تامینات

زدن به هر اقدامی جدا می شود.
در بیچاره اعتصاب وزیر کار در پارلمان
اعلام کرد: «این یک اعتصاب سنتی نبود،
طغیان بود. از مه ۶۸ به این طرف چنین
چنین ساقه نداشته است. چه وضعیت
دهنی ای پرسنل ایر فرانس را به اینجا
کشانده است؟ این وضعیت جاده ای دو
سویه است که می تواند به ناامیدی و
سکون، و یا رادیکالیسم مسلح به چشم
اندازی روشن از آینده و منجز به روش ها
و اهداف بیمارازی موثر ختم شود.
شروع اضلال حاکمیت بیچون و چراي
بقیه در صفحه ۱۳

سی گوید: اعتضایات کوتاهتر، بسیج کنند
مر، و متحداش تر شده اند. جبس کردن
سلیمانی و مدیر کل در جریان اعتراض مجددا
مشاهده شده است.

اعتصاییون ایرفرانس، شامل تمام
مندیکارها، مجددا به رادیکالیسمی روی
ورزند که مدت‌ها بود از آن خبری نداشتمیم.
آنچه اعتصاییون با پلیس تصویر
نمک جنبش سازمان اینیافته و در عین حال
ستوار را می دهد. کازگران کاملا مصمم

- در مورد بیانیه بیست مدلر کل و ساختکار که به شکل آگهی با نیتر اعتضاب ایران، فرانسه را پنجر می شند در روزنامه ها چاپ شد یک متصاصای در یک مصاچه رادیویی گفت: بن را به عنوان تعزیت از قدرتمن در نظر

زفہیم.

باعث اعتصاب شد شامل مواد وزیر بود: حذف ۴ هزار شغل دیگر، کاهش پرداخت هزینه مصرف بنزین گارکنان شرکت برای رفتن به محل کار (فروودگاههای اولی و شارل دوگل در فواصل نسبتاً زیاد از پاریس قرار دارند و هزینه مصرف بنزین رفت و برگشت مبلغ قابل ملاحظه است)، کاهش پرداخت های اضافه بابت کار شب، یکشنبه، و روزهای تعطیل، فروش بعضی قسمت ها به بخش خصوصی (اتوبوس های مخصوص فروودگاه، طبع غذا برای مسافران هواییا، انفرماتیک، پوشاش کارکنان، تغییر مواد اسنامه شرکت در موارد اخراج، ارتقا شغلی، و سایقه خدمت).

در اواسط اعتصاب وزیر حمل و تقل اعلام کرد: "طرح اعلام شده بهیچوجه تغییر پذیر نیست". یکی دو روز بعد، به دنبال تداوم رادیکال حرکت، ناچار شد دو ماده مربوط به کار تعطیلی و شب و یکشنبه و هزینه مصرف بنزین را حذف کند. اما اعتصابیون

او!...! چند روزی من شد نفس راحت کشید و در دل سرمای ناگهانی فرانسه و نکبت سرمایه داری حاکم گرمای هبسنگی مبارزاتی و غروز ناشی از تعلق کارگری و امید به آینده را حس کرد. چه نمایش قدرتی!

وقتی آقای نخست وزیر با لحن آرام و با وقار و منانت پدر یک ملت به کارگران اعتصابی گفت: "وقت آنست که اعتصاب را تمام کنید. باید به کشورتان و شرکتی که آنرا در جهان نمایندگی من کند فکر کنید" و از آن طرف گارد ضد شورش و پلیس هایش را به سراغ اعتصابیون فرستاد، کارگران آن فراخوان میهن پرستانه را به میمع گرفتند و به مقاومت در مقابل پیوش پرخاستند. پیست فروودگاه بین المللی تبدیل به محل بازی فوتیاب اعتصابیون شد و باری و شوری نبود که برای حمل بار و مسافر حاضر به برق و ساكت در خدمت باشد. یک مسافر آمریکانی علاوه در فروودگاه

روزنامه ها نوشتند:

در حاشیه اعتراض ایران

در گیری ایر فرانس برخی از پیشداوریها در مورد دوره کوتونی را زیر سوال می برد: مزد بکیران دیگر چندان اعتنایی به اوضاع اقتصادی شرکت ندارند و حاضر به فداکاری نیستند، تصویر نیکاری طولانی مدت دیگر منجر به سکوت کارگر نمی شود، بالعکس بازی کنند، فراخوان میهن پرستانه تاخت و وزیر را به استهرا بکیرند، دهیان سندیکائی را زیر مهمیز بکیرند و دنبال خود به سمت رادیکالیسم سوق دهند، بشوند موضوع تپیر اول اخبار تمام رسانه های سمعی - بصیری و کتبی، و تعقیب اخبار مجمع عمومی شان قبل از نقل سخنان وزیر و وکیل و رهبر سندیکاهای قرار گیرد، از عجایب است اعقیب، اما نه غیر منتظره. آنقدر فترها را فشار داده بودند که بالآخر می بایست در برود و به دک و سوز خدشان بخود. تصور می کردند دیگر مبارزه کارگری تنها می تواند موضوع تاریخ و یا ملعنه ساختن فیلم های پرخرچی که "فخر ملی" می شوند باشد. اما اینکه جرئت کنند پیست فرودگاهها را اشغال کنند و آن را زمین بازی کنند، فراخوان میهن پرستانه تاخت و وزیر را به استهرا بکیرند، دهیان سندیکائی را زیر مهمیز بکیرند و دنبال خود به سمت رادیکالیسم سوق دهند، بشوند موضوع تپیر اول اخبار تمام رسانه های سمعی - بصیری و کتبی، و تعقیب اخبار مجمع عمومی شان قبل از نقل سخنان وزیر و وکیل و رهبر سندیکاهای قرار گیرد، از عجایب است اعقیب، اما نه غیر منتظره. آنقدر فترها را فشار داده بودند که بالآخر می بایست در برود و به دک و سوز خدشان بخود. تصور

نه صریح "تفییر ناپذیری طرح" و نه مجنوب "حذف دو ماده" شدند و بین ترتیب اعتصاب تا برکناری مدیر عامل و پس گیری طرح ادامه یافت.

این اعتصاب با رسیدن به خواست هایی که جلوی رویش گذاشته بود به یک پیروزی کامل دست یافت. با این وجود: اولاً نباید فراموش کرد که برخی مواد طرح های قبلی که مورد اعتراض کارگران بودند کماکان به قوت خود باقی هستند (از اینجا کارگران روزانه به میزان ۲۵ دقیقه، کاهش حقوق سیزدهمین ماه به میزان ۵۰ درصد، انجماد دستمزدها به مدت ۳ سال). ثانیاً نظر عمده کارگران اینست که مدیر عامل جدید همان طرح قبلی را مجدداً، با پیک و تواتل ارائه خواهد داد. بهمین دلیل هم خواست کارگران رادیکال ضمانت کتبی و وزیر و مدیر کل جدید برای عدم طرح مجدد همان مواد بود.

بیحاصل و اعتصاب های ۲۴ ساعته اخطاری بیمامه تا ابد حبس می ماند یک توهم بود. کور خوانه بودند اگر خیال منی کردند که دستمزد پایین و مشکلات زندگی و ترس از بیکاری و ترسیم ۲۴ ساعته هاله تقدس به دور چهره سرمایه داری و سود کمپانی و منافع اقتصاد ملی، کمر کارگر را آنقدر خرد و ذهنش را آنقدر پوسیده کرده که دیگر برای دیدن اعتراض کارگری تنها باید به سینما رفت و کتاب تاریخ ورق زد. کارگران ایرانی فرانس تار عنکبوت رفرمیسم و سنبلیکالیسم و میهن پرستی را پاره کردند، مشکلات و ترس ها و نگرانی های فردی را کنار گذاشتند، و متعدد چون تنی واحد قد راست کردند. چنان قدرتی نشان دادند که وزیر و وکیل و سرمایه دار و مدیر را به هزیمت انداختند: اول دروم بولدروم ها را کنار گذاشتند و خواست های خداکثر اعتصاب را دو دستی تقدیم شان کردند.

ارزش و جایگاه اعتصاب کارگران ایر فرانس

کوتاه مدت که روز به روز بیفایدگی خود را با وضوح بیشتری به نمایش گذاشتند و ... این روند بطور اجتناب نایابی می بایستی بورزوایی را به سمت چنگ اندازی به ریشه های دستاوردهای کارگری و زیر و رو کردن قانون کار و موقعیت کارگری، به سود سرمایه داران، سوق دهد. سرمایه داری فرانسه برای خروج از بحران و کسب توانایی رقابت در جهانی که رقابت اقتصادی روز به روز در آن حادثه می شود به یک "انقلاب" نیاز داشت.

آرا بالای راست فرانسه در انتخابات مقننه این اعتساب علیرغم رادیکالیسم آن در شکل آسکیون (به نوشته روزنامه ها اشغال پیست های فرودگاه در یک مبارزه مطالباتی در جهان بیسابقه است) و روش سازماندهی (مجموع عمومی و انتکا به تصمیم و عمل مستقیم توده کارگر)، از نظر مضمون کاملاً دقایق بود و هدفش صرفا حفظ وضعیت موجود بود. اما ارزش و جایگاه حقیقی این اعتساب، ضمن در نظر گرفتن ملاحظه مربوط به مضمون آن، در مکانی است که در سیر مقابله طبقه سرمایه دار و کارگر فرانسه در دهه اخیر اداره به عقب نشینی کامل، باز پس گیری طرح اجتماعی برای بازگشت به تعادل (مالی) و تعریض مدیرکل بکنند. طرح فوق در ادامه یکسری طرح های دیگر از طرف بناراد آنانی، مدیر کل ایر فرانس با هدف رفع کسر بودجه و سودآور کردن شرکت اعلام شده بود.

سپتامبر ۱۹۹۱، اوین طرح ایر فرانس برای تعادل کردن حسابها اعلام شده بود. طبق این طرح می بایست ۲۵۰۰ شغل طی دو سال حذف می شد. اکتبر ۹۷ طرح دیگری حذف ۱۵۰۰ شغل دیگر اعلام شد. آخرین طرح اعلام شده، سپتامبر ۹۳، که

مصاحبه با بوریس کاگارلیتسکی

روسیه، یلتسین و غرب

کاگارلیتسکی

وضعیت خوبی ندارد. باید تا آنجا که میتوانیم به این اشخاص کمک کنیم.

بنظر شما حکم دستگیری را چه کسی داده بود؟

نمیدانم. این را میدانم که این سیاستمن است که افراد سیاسی اپوزیسیون و نمایندگان با نفوذ شورای مسکو و پارلمان روسیه را دستگیر میکنند. مطمئن نیستم که هنگام دستگیری میدانستند ما که هستیم. فکر میکنند بعداً به رئیس پلیس گفتند و دستورات لازمه برای چگونگی رفتار با ما را گرفتند. سکانیسم میبینم سیاست این است.

طبق اطلاعاتی که ما داریم چندین آنجلس برنامه پخش میکند با بوریس کاگارلیتسکی که در جریان کودتای خونین مسکو دستگیر شد گفتگویی تلفنی انجام داده است که آنرا می خواهد.

وضعیت حزب کار کم خنده آور است زیرا وزارت دادگستری هیچ وقت اجازه ثبت حزب را نداد.

منظورتان اینست که چون ثبت نبودید نیتوانستید منع اعلام شوید؟

دقیقاً این چیزها در روسیه اتفاق میفتد.

وقعاً اینطور گفته است؟ منظورتان اینست که وی یک کودتا در آمریکا سازمان میکند؟

نمیکند. البته این برای مردم شوک آور بود.

این چیزی است که از مفز من هم خطرور کرده است. تصور بکنید چه اتفاقی میفتند اگر کلینتون حوصله اش از کنگره سر برود؟ میتواند بگوید از بن بست خسته شدم و باید از دستشان راحت شد.

یکی از راههایی که توانتند بین شکل مستهل را مطرح کنند و جان سالم ببرند

کردند اگر سنا برای انتخابات قرار نخواهد گرفت. تا آنجاییکه میدانم مهات وارد شدن

دیروز فقط اسم دو کاندید طرفدار دولت در لیست انتخابات دیگر انتخابات با عدم شرکت اپوزیسیون صورت خواهد گرفت؟

بله. به احتمال قوی فقط یک کاندید در برخ حوزه های انتخاباتی خواهد بود. فقط یک یا دو لیست طرفدار یاتسین باقی خواهد ماند. فقط نیروهای سیاسی طرفدار رفم، یعنی طرفدار یاتسین، سرکوب، و منعیت جایز خواهد بود.

به عبارت دیگر انتخابات، با عدم شرکت اپوزیسیون صورت خواهد گرفت؟

بله. به احتمال قوی فقط یک کاندید در پارلمان در روسیه، بخش پارلمانی اش، کل مردم را نمایندگی میکند که شامل چپ و راست افراطی و لیبرال ها میشود.

شامل تعداد زیادی از لیبرال های طرفدار غرب و بازار میشود. یک گرایش قوی

طرفدار بازار نیز در این پرسه و در پارلمان شرکت داشت. افادی از چینیانکوف

که به معنای "سیاست نوین" و طرفدار بازار آزاد است، سوسیال دموکراتیک راست، و ترکیبی از لیبرالها و چپ دموکرات به نمایندگی هزب کار و حزب سوسیالیست

کارگران و حزب کمونیست نیز شرکت داشتند. حزب کمونیست حمایت ۲۵ درصد مردم را دارد. چه بخواهید یا نه بزرگترین

حزب کشور است. البته چه افراطی با حزب کمونیست کارگران و راست افراطی با گروه نایونالیست روسیه نمایندگی میشوند.

این انتخابات مصرف غیری دارد؟ آیا همه فقط یک تماشی است؟ اگر قرار است

انتخابات دموکراتیک نباشد، پس چیست؟ آیا فقط برای ادامه جلب حمایت غرب انتخابات صورت خواهد گرفت؟

فکر میکنید که دستگیر شدگان هم زدن

دستگیر شدگان هم زدن با شما آزاد شدند؟ یا اینکه هنوز کسی مانده؟

به این سوال جواب خواهم داد. بگذرید

دانستان را تمام کن.

بالاخره موفق شدم اطلاعاتی درباره اوضاع

مثل کلینتون که کماکان یک دیکتاتوری

تمام و کمال را دموکراسی خطاب کنند.

آفریقای جنوبی چیست. همه میدانند

انتخابات در کشورهای دیکتاتوری

مسکو. حتی از کایپنه یاتسین تلفن کرده

بودند و شکایت کرده بودند که دستگیری

ما به اینکه نجات میشود و اینکه این

دستور دو نایندگان همیزند

ایستگاه را میزدند.

این انتظار دارند. بعد متوجه

شدن که دو نایندگان شورا در میان دستگیر

شدنگان هستند و دویاره شروع به کنک زدن

کردند و فریاد میزدند "دمکراسی

میخواهید؟ بفرمایید". سوالاتی عمدتاً درباره

سیاست های ما پرسیدند و سپس گفتند که

شما به چیزی متمم نیستید و فردا ساعت

۸ صبح آزاد میشید و لیتلی حکومت

خارج ایستگاه پلیس کسب نمیکنند. فهمیدیم

که فعالیت های بین المللی برای آزادی ما

خریل کرده، شامل مکالمات تلفنی از

آمریکا، زاین، انگلستان و سفارت آلمان در

دویاره کنک زدند و به یک ایستگاه پلیس

دیگر منتقل شدیم. در اینجا ما را به جرم

سرقت اسماشین پلیس نگه داشتند.

مشایشی که ما را به ایستگاه پلیس آورد

بود را انقر کنک زدند تا اعتراف کرد که

اقحام غلام به عکس خود تبدیل میشید

است. ولی وی چینی جرمی مرتکب نشد

او اوضاع بد است تلفن کردند. مردم

شدن و لیلی با نیروهای مسلح مواجه شدند.

بالاخره بدون اینکه جرمی مرتکب شده

باشیم و بدون هیچ توضیحی آزاد شیم.

ما تاکید کردیم که همه، به اصطلاح

برنگاران روسی هم اینکه بیرونی

او اوضاع بد است تلفن کردند. مردم

شدن و لیلی با نیروهای مسلح مواجه شدند.

پیاده کردیم که کاملاً مسخره بود زیرا

مردم ما را میشناسند. ولی هیچ چیز

ما اعتراف کردیم که همه، به اصطلاح

برنگاران روسی هم اینکه بیرونی

او اوضاع بد است تلفن کردند. مردم

شدن و لیلی با نیروهای مسلح مواجه شدند.

پیاده کردیم که اینکه همیزند

دستگیر شدگان هم زدن با شما آزاد

شدند؟ یا اینکه هنوز کسی مانده؟

به این سوال جواب خواهم داد. بگذرید

دانستان را تمام کن.

بالاخره موفق شدم اطلاعاتی درباره اوضاع

مثل کلینتون که کماکان یک دیکتاتوری

تمام و کمال را دموکراسی خطاب کنند.

آفریقای جنوبی چیست. همه میدانند

انتخابات در کشورهای دیکتاتوری

مسکو. حتی از کایپنه یاتسین تلفن کردند

و شکایت کردند که دستگیری

ما به اینکه نجات میشود و اینکه این

دستگیر شدگان همیزند

ایستگاه را میزدند.

این انتظار دارند. بعد متوجه

شدن که دو نایندگان شورا در میان دستگیر

شدنگان هستند و دویاره شروع به کنک زدن

کردند و فریاد میزدند "دمکراسی

میخواهید؟ بفرمایید". سوالاتی عمدتاً درباره

سیاست های ما پرسیدند و سپس گفتند که

شما به چیزی متمم نیستید و فردا ساعت

۸ صبح آزاد میشید و لیتلی حکومت

خارج ایستگاه پلیس کسب نمیکنند. فهمیدیم

که فعالیت های بین المللی برای آزادی ما

خریل کرده، شامل مکالمات تلفنی از

آمریکا، زاین، انگلستان و سفارت آلمان در

دویاره کنک زدند و به یک ایستگاه پلیس

دیگر منتقل شدیم. در اینجا ما را به جرم

سرقت اسماشین پلیس نگه داشتند.

مشایشی که ما را به ایستگاه پلیس آورد

بود را انقر کنک زدند تا اعتراف کرد که

اقحام غلام به عکس خود تبدیل میشید

است. ولی وی چینی جرمی مرتکب نشد

او اوضاع بد است تلفن کردند. مردم

شدن و لیلی با نیروهای مسلح مواجه شدند.

بالاخره بدون اینکه جرمی مرتکب شده

باشیم و بدون هیچ توضیحی آزاد شیم.

ما تاکید کردیم که همه، به اصطلاح

برنگاران روسی هم اینکه بیرونی

او اوضاع بد است تلفن کردند. مردم

شدن و لیلی با نیروهای مسلح مواجه شدند.

پیاده کردیم که اینکه همیزند

دستگیر شدگان همیزند

ایستگاه را میزدند.

این انتظار دارند. بعد متوجه

شدن که دو نایندگان شورا در میان دستگیر

شدنگان هستند و دویاره شروع به کنک زدن

کردند. گفتند که مسلحانه چینی نقشه ای را

پیاده کردیم که کاملاً مسخره بود زیرا

مردم ما را میشناسند. ولی هیچ چیز

کارگران

زنان کارگر، قربانیان دهه های اخیر

اعظم کم گویان قسمت اول

مقدمه:

نظام سرمایه داری همه جا زنان را در موقعیت پست و فروخت قرار داده است. نیمه از جامعه بشری در همه کشورها و بدرجات مختلف در چنگال تبعیضات، بی حقوقی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درگیر است.

جبش زنان برای حقوق برابر بیش از دو سال پیش آغاز شد. ۱۵۰ سال قبل زنان در ایالات متحده خواهان حقوق کامل شهروندی گشتند. جنبش زنان در اسکاندیناوی حدود ۷۰ سال قبل حق را کسب کرد. زنان در این مناطق اکبر به حقوق اقتصادی و اجتماعی بالایی دست یافتند. اما زنان هنوز همه زنان را در دستمزدان از مردان ماندن نداشتند. اینها در همه زمانه ها بازندگان دستمزدان را از ایالات متحده پیش از کارگران مناطق صنعتی و تجاری آزاد حمله ۵۰ درصد بیشتر از کارگران کشورهای صنعتی کار میکنند و از حق سازمانیابی اتحادیه ای محرومند. درصد زنان در زمانه ارائه شغل، آمروزش حرفه ای و ارتقای شغلی و بهبود شرایط کار در فوریه ۱۹۷۶ معمول گشت. اما تقریباً تنها در مشاغل با دستمزد کم به کار گرفته امروزه زنان بیش از هر زمان از دارد. این خواسته و شعار و یا قانون فاصله مرد بازهم افزایش یافته است. در حالی دستمزدهای زنان میکنند. مزد متوسط زنان بین ۴۰ تا ۵۰ درصد مزد مردان است. اگر دستمزد بیکار ۱۹۸۰ سال مصوبه باشد. طبق قانون اشتغال زنان بین ۴۰ تا ۶ کارگر در استخدام داشتند، کارفرمایان مجبور نبودند کارکنان زن خود را پس از زایمان دوباره به سر کار بازگردانند. طبق بند ۱۱ این قانون و بر اساس سیاست تاجر مبنی بر افت سریع در دستمزدهای حقیقی، می بایست بیشترین امید برای حل مساله بیکاری بیار می آمد!

در کشورهای جهان سوم وضعیت از اینهم بدلتر است. دستمزد زنان کارگر ۲۵ تا ۴۰ درصد مردان کارگر است. علاوه براین کار زنان در واحدهای تولیدی کوچک توان با عدم پرداخت دستمزد برای تعطیلات، حقوق مادری، بازنشستگی و بیمه های اجتماعی و ساعات کار طولانی است. ادامه دارد

لعنت به این نظام

توحش سرمایه داری

باقیه از صفحه ۴

کند. آن وقت دیگر نه می توانست از تنفس تزادی و منبهی خبری باشد و نه از جنگ، قتل عام، زندانها، از گرسنگی مردن مردم، خود فروشی جنسی، و یا اعضا بدن و تمامی آن کشاثاتی که نظام سرمایه داران تعریف می کند. باور کنید تاثیر از خواندن این خبر حد و مرزی نمی شناسد و شدت این تاثیر از جنایتگریهای سرمایه داران در ایران و عراق و سومالی و یوگسلاوی سایق و ... نیست، اینجا بود که یک بار دیگر این نظام توحش سرمایه داری را بار دیگر لعن فرستاد و روحیه ام را برای مبارزه ای پر دوام علیه آن آماده تر و دو چندان نمودم.

سیامک شاعی - نروژ

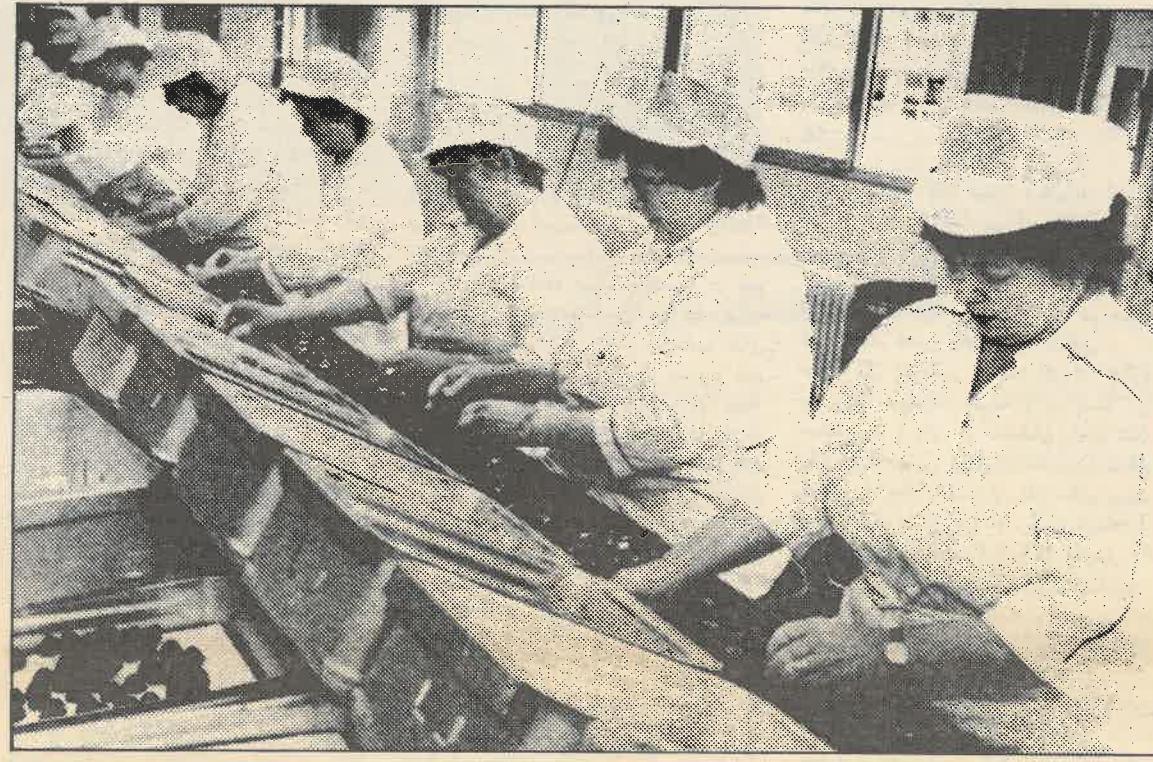
تسريع بیکارسازی کارگران

باقیه از صفحه ۴

طی آخرین خبر، مدیریت با تهیه چندین دستگاه روبات اسلامی ۲۰۰ نفر از کارکنان را برای بیکارسازی داده است. آنچه بیش از پیش مشهود است در انتقاد قراردادن کارگران است به گونه ای که کارگران از طرفی با بیکارسازیها روپرورد هستند و از طرفی نیز می بایست با توجه بیان این تعدادی از کارگران اجبارا به اضافی کار و حتی کار دوم تن من دهنده که این خود نوعاً بخشی از نیروی اعترافی کارگران را کاهش می دهد و جز غریبه و شدن در اوضاع نابسامان گذشت هیچ چشم انداز دیگری را برای بخش وسیع طبقه کارگر به ارمغان نخواهد آورد.

دولت رفستجانی که در اولین برنامه پنج ساله خود با شکست جنی روپرورد شده بار دیگر با توصل به آخرین حریه افزایش سعی در پیرون راندن بعترانی دارد که دیریست بدان دچار شده است.

میترا - ترکیه



کارگران ایران و خواست افزایش دستمزد

باقیه از صفحه ۳

روند واگذاری صنایع دولتی به بخش خصوصی بعنوان بخشی از سیاست اقتصادی رژیم به کجا کفیده است و تاثیرات آن چه بوده است؟

در چند ساله اخیر شاهد تحولات عظیمی در سطح جهانی بودیم، این شرایط چه تاثیراتی بر ذهنیت کارگران پیشرو و فعالیت کارگری داشته و امروز کوئی نیست که جایگاهی در میان کارگران دارد؟

بااید به این امر معرفت پاشیم که تاثیرات و تحولات جهانی بر طبقه کارگر در ایران نیز تاثیرات خود را داشته است. تا جایی که ذهن سیاسی از کارگران را نسبت به کوئی نیز تاثیراتی از کارگران را نسبت به کارگران ایجاد نموده است. در ایالات متحده زنان پیشتر از مردان است. در

ایالات متحده زنان ۴۵ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند. در بریتانیا اشتغال زنان از

دهه هفتاد به بعد رو به رشد گذاشت.

در اتحاد شوروی سابق، از جنگ دور به

بعد زنان پیشتر از مردان است. در

مشاغل، شرکت در زندگی اقتصادی و

اجتماعی کرده اند. در ۲۰ سال گذشته در

کشورهای اروپای شرقی به استثنای رومانی،

زنان حدود ۵۰ نیروی کار را تشکیل داده

اند. در اتحاد شوروی سابق این رقم به ۵۱

درصد رسید. سه چهارم نیروی کار زنان در

اتحاد شوروی در حال توسعه بود. این صنایع

کشورهای در این ساخته بود.

بیشترین نیروی کار زنان در کشورهای

منطقه ای از جنگ های

جهان سوم از ده هفتاد شتاب قابل

ملاحظه ای یافت. عامل موثر در این

زمینه ایجاد مناطق تجاری آزاد یا مناطق

صنعتی تولیدی جهت صدور کالا در

کشورهای جهان سوم است که با توافق

ایجاد مناطق تجاری آزاد زده اند در صنایع بطور قابل ملاحظه ای در حال افزایش است و حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد

نیروی کار را تشکیل می‌دهند.

درصد زنان شاغل در کشورهای عضو بازار

مشترک از ۷۸ درصد در دانمارک تا

درصد در ایران متغیر است. در عین حال

بیکاری در این کشورها هم یک چهره زنان

مادری گردید، نقش نهاد خانواده در

فروضی زنان کارگر و نقش اتحادیه ها در

برای میزان بیکاری در میان مردان

می‌باشد.

باقیه از صفحه ۴

باقیه از صفحه ۳

دولت هنوز موفق نشده است خصوصی شدن بخش زیادی از کارخانجات را بطور جدی عملی سازد و امکان عملی شدنش به این سرعت نیز امکان پذیر نیست. برای انجام این کار دو طرف با مشکلاتی مواجه هستند. طبعاً بیشتره این روند در وضعیت کارگران تاثیرات منفی زیادی می‌گارد، از جمله اینکه یکی از شروط خصوصی شدن بخش زیادی از کارخانجات را بطور جدی عملی شدنش به این سرعت نیز امکان پذیر نیست. برای انجام این کار دو طرف با مشکلاتی مواجه هستند. اخراج میکردن، نیروی ذخیره کار نیستند. در آلمان غربی از دهای میان اشتغال در ایالات متحده زنان در میان مردان است. در ایالات متحده زنان ۴۵ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند. در بریتانیا اشتغال زنان از دهه هفتاد به بعد رو به رشد گذاشت. در اتحاد شوروی سابق از جنگ دور به

بعد زنان پیشتر از مردان است. در

ورود زنان به بازار کار

ورود زنان به بازار کار که از جنگ های

دوم به اینسو شتاب بیشتری یافته بود، در

دهه های هفتاد و هشتاد باز هم افزایش یافت.

موقعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای

صنعتی تحت حاکمیت اقتصاد بازار از

گذارده است. پرسه رکود تکلوفی

بیکاری زنان کارگر، نقش نهاد خانواده در

دادرسی زنان کارگر و نقش اتحادیه ها در

تغییر موقعیت زنان کارگر میباشد.

ورود زنان به بازار کار

ورود زنان به بازار کار که از جنگ های

دوام به اینسو شتاب بیشتری یافته بود، در

دهه های هفتاد و هشتاد باز هم افزایش

یافت.

موقعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای

صنعتی تحت حاکمیت اقتصاد بازار از

بیکاری زنان کارگر، نقش نهاد خانواده در

دادرسی زنان کارگر و نقش اتحادیه ها در

تغییر موقعیت زنان کارگر میباشد.

باقیه از صفحه ۴

باقیه از صفحه ۳

باقیه ا

مهاجرین تا حدی است که حتی به آنها امکان بهره برداری از "قادس" همین جوامع را هم نمی دهد. اتفاقاً یکی از عواملی که فعالیت و کار سوسیالیستی در خارج از کشور را مشکل نموده است همین کبود امکانات رفاهی است که سپاهی از مهاجرین را وادار به انجام کارهای سخت و طولانی با مستمردهایی کتر از حد معمول نموده است. پسندی از جوامعی مثل زبان و ترکیه که وضعیت مهاجرین در آنها از این هم بدتر است.

علاوه بر آن هر کارگر ایرانی در خارج از کشور و هر مهاجر شریف امروز در برخورد به جوامع جدید محل زندگی خود قبل از هر چیز تکاهای شدید سیاسی و اجتماعی را می بیند و از آن تاثیر می پذیرد. راسیسم، جنبش ضد راسیستی، اعتصابات کارگری، جنگها و تحولات سیاسی و اقتصادی پیشتر روی مهاجر و فعل کارگری تاثیر می گذارد یا امکانات رفاهی و قادس؟

متاسفانه این عقب ماندگی همین امروز مطرح شده است. کسیکه جریان مباحثات مربوط به ۲۵ ساعت کار هفتگی در کارگر امروز را تعییب کرده باشد می داند که در آنجا هم یدالله خسروشاهی با طرح اینکه در اکثر کارگاههای ایران تکولوژی دوران شاه عباس غالب است به مخالفت با طرح شعار فوق در جنبش کارگری ایران پرداخت. بی توجهی به آنهم کارخانه و صنعت مدرن در ایران، آنهم کارگر متمنکر در کارگاهها و مراکز صنعتی و آنهم تجربه مبارزاتی و درجه آگاهی کارگران در ایران و در مقابل طرح تاکتیک با حرکت از تکولوژی شاه عباسی فرش بافی ما حقیقت عقب ماندگی می خواست. متاسفانه این عقب ماندگی پیش از این مدت پاسخ مناسب خود را دریافت نکرد. حال هم یدالله نویسنده چشم انداز نویسنده باید گفت که امکانات رفاهی دهنده برایش از دهه های شصت و هفتاد و هشتاد قرن حاضر کتر است با اینحال آزمانگوانی دده شصت و هفتاد بمراتب قوی تر از آزمانگوانی کوتی بود. علاوه بر آن اگر منظور نویسنده مهاجرین ایرانی اند که قضیه از این هم روشن تر است.

اکثرب قریب به اتفاق این مهاجرین نه تنها در زمرة حاشیه ای ترین و محرومترین اشاره جوامع غیری قرار دارند. بی امکاناتی

بهمن شفیق - نوامبر ۹۳

کند و اعتصاب را به فراموشی می برساند.

همیشه به آن فکر کن،
اما حرفش را نزن

در جنبش کارگری فرانسه سنت رادیکال سوسیالیستی وجود دارد که فعالیتش توانسته اند مهر خود را بر شماری از مهمترین اعتراضات کارگری ده اخیر این کشور پکنند. پایه ای ترین وجه هویتی این سنت صدیقی آن با سرمایه داری و تعلق اش به سوسیالیسم است. اینکه از نظر تئوریک آنچه کارگرانی کوتی بود. علاوه بر آن اگر منظور نویسنده مهاجرین ایرانی اند که قضیه از این هم روشن تر است.

اکثرب قریب به اتفاق این مهاجرین نه تنها در زمرة حاشیه ای ترین و محرومترین اشاره جوامع غیری هر چه بیشتر آن باشد. بیش روی ای که بی شک در محدوده کارخانه و شرکت محبوب نخواهد ماند.

در پیغامه اعتصاب، لیبراسیون نوشت که خط "آنچه اجتماعی" یک نگرانی دانی اوست. "همیشه به آن فکر کن، اما حرفش را نزن" راهنمای او در این زمینه است. بیو به قدرت رسیدن او کارشناسانی که احاطه اش کرده اند حرف از خط انججار آن توسعی "جدید" مثلاً در حومه های شهرهای بزرگ می زند. اما اکنون نگران هستند که "یک درگیری کلاسیک محبط کار" فضای اجتماعی را آشته نکند. قبل از سفرم لس آنجلس در اذان بود اکنون متکی شود، تابوها را به هیچ بگیرد و پیش فروذگاه را اشغال کند، مانع از تاثیری سه میهن پرست شود، بی اعتمادی به وزیر و نخست وزیر را در میان کارگران عمومی کنند، آنها را آماده مصاف با پلیس مسلح خواشند.

ارتجاعی خود را به نمایش می گذارند. در دوره ای که صدھا هزار مهاجر ایرانی در کشورهای مختلف دنیا — بدون مجوز یدالله و دوستانش — وارد بازار کار شده اند و به کارگری مشغولند، در دوره ای که روزانه دهها هزار نامه بین ایران و کشورهای خارج رد و بدل می شود و در آنها همین مهاجرین از حق بیکاری، بیمه بازنشستگی، کاهش ساعت کار، اتحادیه، اعتصاب و یا هر تصور سیاسی دیگری برای دوست و خانواده هایشان می نویسند، در دوره ای که انتقال آرا و عقاید کارگری به داخل ایران ابعاد پیسابقه ای بافته، نویسنده چشم انداز خود و دوستانش را معدود فعالیتی می بیند که علیرغم امکانات رفاهی و "قادس" جوامع غربی دست از آزمانهایشان برنداشته اند و دست این کار تجدید نشست کارگران ایرانی اوایل قرن در باکو هستند. عمیقاً به حال کسی که خود را اینچین بی کس می بیند و در محاصره قادس، باید تاسف خورد.

خود این قضیه فساد می بارند. تبیخ و انسان را بی اختیار به یاد موضعه های فراخوانند به پاسیفیسم سیاسی چیز دیگر نیست. پنج سال است که خود یدالله و آخوندها در باره جوامع غربی می اندادند. از نظر نویسنده امکانات رفاهی و فساد باعث این هستند که خیلی ها آزمانهایشان را کنار می گذارند. به این اعتبار هر چه امکانات رفاهی و فساد کتر باشد به همان نسبت پافشاری بر آزمانها پیشتر خواهد بود. راستش من نکر می کرد این تعیین عقب مانده از روشنی برناهه ای کارگری از جنین توهی جز از جانب جمیع برداشته شده است و هنوز هم هیچ نشانه ای از آن در دست نیست. باور داشتن به این امر معین پذیرش اینکه سالهای دیگری هم سپری شوند و خود چشم براه برناهه موعدشان بمانند. هر فعال جندی کارگری که به این امر باور کند سروشوست سیاسی خود را دچار پاسیفیسم کرده است. آنهم در شرایطی که بورژوازی اینکه کارگری با تاثیر گرفتن از این اتفاق بین این احزاب می باشد، یک گردهمانی از دست زده است این وضع ناگواری خواهد بود. به همین خاطر وی به فرموله شده کارگران قادر نخواهد بود پرده ساتر حاکم پذیرجاند. در فاصله چند سالی که یدالله به نقش پیشو احزاب و سازمانها را با یک اینقلابی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات منطقاً اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، هنوز هیچ تضمیش شود و یا ثانیاً اگر هم چنین برناهه است. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومیت داده باشد، یک گردهمانی از فعالیت علمی کارگری با این احزاب می باشد. تدوین شد برناهه ای کارگری و جریانات سیاسی متعلق به خط ۲ هم حاملین مارکسیسم اتفاقی و سوسیالیسم کارگری در این جنبش بودند که بر افق طبقاتی مستقل و سوسیالیسم اصرار داشتند. وارد شدن به تقدیم کنکرت این گرایشات اعتراف به نقش پیشو احزاب معین و نقش مخرب احزاب دیگری را در بر خواهد داشت. براز یدالله که به بالائی در میان این احزاب معمومی

very strong free-market trend was also behind the parliament line. It includes people from a group, which means *change* - a free-market liberal group with some right-wing social democrats in it... [The parliament also includes] the democratic left, represented by the Party of Labour, the Socialist Party of Working People, and the Communist Party which commands now the support of something like 25% of the population, whether you like it or not, being the biggest party in the country. Then there is, of course, the far left represented by the Russian Communist Workers Party and the far right represented by several Russian nationalist groups.

S.W: When you say the far left, are you talking about Ampilov, the head of the Workers Communist Party?

Yes. Anyway, what I mean is that behind the parliament you've got everybody, i.e. the society of Russia, the totality of the society. And of course there were also far left and far right groups. What the government propaganda did and what the Western media did, they just picked up some people. For example there were about, as far as

television station was orchestrated by the fascists. Is that the case? What do you know about it?

I just don't want to discuss that! The press can tell any lies. When you don't have access to TV, don't have access to press, you have to shut up. In this situation of course they can tell any lies. I just want to say that people do not trust these lies in Russia any more. I think that for the propaganda ministry the situation is getting much worse, because people do not believe what they say. And they have started once again to listen to Radio Liberty, for example, to pick up the real news which is funny. Anyway, the truth will come out. And the Western politicians who are just basing their policies towards Russia on using deliberate lies and hypocrisy, they will be punished... The Western public opinion will face some very serious dilemmas in this situation. I don't know what will happen to the politicians of today when the American public opinion finally discovers who were the fascists and that they supported the fascists in Russia. I mean the American government supported, and is supporting, a dictatorship; a dictator-

large-scale military operation. At the same time, they are strengthening anti-guerrilla units which could be used for police purposes and for fighting internal unrests, against revolts, and so on. And this is the kind of army people are used to in Latin America and some other Third World countries.

On the other hand, the military top leadership is extremely corrupt, and this is also the reason why they are supportive of the regime. The officers are not very supportive; the majority are very unhappy about what happened. But now the army is not controlled by them. What happens later, we'll see because there is a very fast growth of guerrilla activities in Moscow and around Moscow. So what will be the outcome of it and whether the government will be capable of controlling the situation militarily [remains to be seen].

S.W: One of the things that the New York Times came out with yesterday was a report saying that now Yeltsin must move very rapidly toward privatisation and wholesale implementation of his market reforms. And, of course, I think underlying this whole crisis is his failure to make the transition to the market. Would

want it to be a Third World country. They want it to supply some cheap minerals, cheap resources, to Western economies. So the lower the living standards in Russia are, the better; the lower the production for the internal market is, the better. They managed to create a decline of production of up to 40% within two years. They want to increase it now. So if it goes on the same way, by 1994 we'll have a country in ruin. But the problem is whether the government, this regime, is going to survive that long.

S.W: Given this situation, has it not been part of the impasse that has been in force up until now, that is, the inability of Yeltsin to really put forward that programme because he would have to meet the working class head on? Do you think that the success of the events, I guess you could call it a coup, means that he is now going to confront the working class?

The working class is extremely demoralised. And there is a growing working class opposition. But it is unorganised and also there is a lack of adequate political expression, political force. Also the unions are facing a severe crisis because their structures are inadequate. Just yesterday the chairman of the Russian Trade Union Federation resigned. So we are now going to get another leader and to re-shape the unions, to make them a militant and modern force. This is a big problem, but we'll resolve

the problems. I am sure there are people who are quite determined to restructure the unions and to restructure the left, and the hostility of the working class against Yeltsin and his regime is completely clear.

S.W: You mentioned earlier that most people in Russia have now suffered a collapse of their idealization perhaps of Western democracy by the way that Western democracy viewed the events of last week. How do you see this in terms of the politics shaping up in the coming months and even years? Do you think this is going to mean that people will move to the left and are going to become more critical, or more demoralised?

I feel that while the government is doing everything to remove the left from the political scene through administrative measures, politically the left is much stronger now than two years ago. During the crisis, I just saw a dramatic radicalisation and shift towards the left among people who originally were kind of progressive liberals. They suddenly turned to socialists, to anti-imperialists... So there was a very strong radicalisation of what could be called the political intelligentsia, the ones who really cared about democracy. I think now we have to rebuild the left, and probably it is very important that we restart certain things from the beginning, because we will build on a more solid basis.



I know, 40 fascists who came to the parliament, just 40 out of about 10,000 people.

There was a group organised by Borgachov, called the Russian Order, or something like that, which is basically a fascist group. They had about 40 people; I counted them. But every single Russian and Western TV crew just concentrated on these 40 guys instead of showing the 10,000 other guys. Everybody knew that they were very isolated in the crowd; there were even clashes between them and the others. That was not reported. What was reported was that there were fascists who came to the parliament. Anyway you can have fascist demonstrations of the kind in the USA and they are legal and these people are also quite contented with the American constitution which allows them to act openly. In that case, you could say that, Well the American constitution is based on the support of the fascists. It is exactly the same kind of logic.

ship with very strong fascist tendencies.

S.W: The big question here, and everywhere, was whether or not in the crisis from 21st September up until the events of October 3rd Yeltsin could get the support of the army? And, indeed, on the first night it looked like he was having to use KGB brigades and Ministry of Interior troops rather than the army. Do you think, even though they did go with Yeltsin, that he has their firm support, or is it divided? What do you think the situation there is, now that the army has been brought into politics?

I think now the army is completely demoralised. Because the main military doctrine of Yeltsin, not the one they are going to publish but the *real* doctrine, is to turn the army from a force defending the nation into an internal repressive force. And that is the kind of reorganisation of the army which is going to be carried out. Especially when they tried to weaken all the forces which could be used for

silencing the opposition make this any easier now? Will there be people lining up buying Russian enterprises?

I just can't say. Because, anyway, privatisation is a total failure. Nobody is going to run the enterprises. You must understand that privatisation is about *consuming* enterprises, like you consume food. You get an enterprise for nothing. You don't pay the price of enterprises. You don't invest any money into it, you just take it and then you use it somehow and when it is completely disinvested and disorganised you can close it down, if you want to. So in this sense it is mostly about the liquidation of the Russian economy. The purpose of the reform is the liquidation of the Russian economy. You consume what is produced, including the factories and the skills, and then you throw it away.

That is the kind of reform which is encouraged by the IMF and that is the kind of development they want. Because they do not want Russia to have an economy. They

recent developments in Swedish unions - article 'On the condition of workers in Iranian Kurdistan' - interview with labour activist '150,000 jobs to go in Turkey' Turkish children at work - article 'Women workers, victims of past decades' attacks' Brickyard sweat shops in Iran - workplace report 'Workers and the struggle for wage rise in Iran' - interview with labour activist. The international and Iranian workers' news are published in more detail in the Persian section.

In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue contains the following main articles:

'Air France Strike Punctuates France - article Privatisations in Iran - letter from Iran European unions; similarities and differences - translation' 'Job security laws under attack in Sweden' 'Workers' seminar in Turkey against contract work and privatisations - report' A brief look at

ISSN 1101-3516

کارگر امروز
WORKER TODAY
An International Workers' Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush
Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN
Fax: (46) 8 - 5202729

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year
 Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

Subscription Rates

Europe
1 Year SKr140
6 Months SKr80

Elsewhere
1 Year SKr210
6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

Russia, Yeltsin and the West

Interview with Boris Kagarlitsky

Boris Kagarlitsky is a member of the Moscow City Council and is on the executive of the Party of Labour. During the bloody repression of early October Boris Kagarlitsky was arrested by the police and beaten up. Suzi Weissman talked to him by phone on October 8 for the programme Portraits of the Former Soviet Union on radio KPFK in Los Angeles. The following is the text of the interview as kindly supplied by radio KPFK. It is slightly abridged.

Suzi Weissman: I am Suzi Weissman and I have on the line Boris Kagarlitsky in Moscow, and Boris is, and for those of you who don't know, was a member of the now disbanded Moscow City Council, or the Mos-Soviet. He is on the executive of the Party of Labour and also an advisor to the Federation of Independent Trade Unions of Russia.

I understand that in the morning of Sunday, between Sunday and Monday, you were arrested. Is that true?

Boris Kagarlitsky: Yes that is true. But before we start talking I just want to say one thing. Don't call me ex-deputy and don't say that I was a deputy because no deputies recognise that we are ex-deputies. The Soviets were illegally dissolved and we still think that we represent the people as we were elected. Nobody can strip us of our legal status, because we were elected, and Yeltsin cannot turn us into ex-deputies.

S.W: I think our listeners would like to know what happened to you. Why did they come to get you? What did they do to you? How many other people suffered the same fate?

I was standing at the entrance of ... District Soviet together with Vlademir Kondratov - now the deputy of the Moscow City Soviet - and Alexander Segal, who was the press secretary of the Russian Trade Union Federation, and some other people who just came there together with us. We'd just finished discussing the situation with the leadership of the District Soviet, the local municipal body. Then suddenly some police cars came. Most of them were not police cars; but ordinary cars, full of armed people with bulletproof vests and rifles. They jumped out of the cars. Most of them just didn't have even uniforms and some of them were quite heavily [drunk]. They were just shouting.

They took us and brought us to a police station. They never made any explanation, and just started beating us a little bit. Originally it was not so terrible; it was just something you have to expect when you get into a police station - I think in most countries of the world, not just in Russia. When they discovered that there were two deputies, they started beating even more and shouting something like, "you want democracy, you'll get democracy!"

Then they questioned us, mostly about our politics - three times. Then they said that while there were no charges against us, we

would probably go home around 8 o'clock in the morning, and that they were not able to let us go because of the curfew which had just been imposed. So we stayed in there till the morning and expected them to release us. But instead of releasing us in the morning, they took us to another police station. There they beat us once again and then took us to another police station where they accused us of stealing a police car. They'd beaten a confession out of the driver of the car which brought us to the District Soviet from the White House, that he had stolen this car on the order of two Moscow Soviet deputies. Really he hadn't stolen the car anyway, but that didn't matter.

They accused us of organising this hijacking of the police car and said that we'd come there with arms... and gunmen, etc., which was total nonsense, because quite a lot of people knew who we were. But they didn't care and just wanted us to make a confession. That was very much the same system which worked, say, under Stalin, when everything was based on confession, including some completely absurd cases, but confirmed by the confessions of the victims.

That is what they wanted to do. They were beating us, which this time was very serious because they used Klashnikov [butts], handcuffs and rubber batons. Kondratov was beaten by a bullet-proof vest which is a new version in this kind of police violence. We had no food for 24 hours and they were threatening to kill us. This was serious. However, I think, we were treated better than the rest of the people who were taken by the police. Ordinary activists were treated much worse.

Sometimes it was even funny. For example, they got into trouble trying to explain where they'd arrested such and such people. They just listed everybody as passengers of the same car who were arrested all together. At one point they'd listed about 14 people as passengers of a small police car! They were completely confused about what really had happened. Not all the policemen were that bad; some of them were even sympathetic with us. But most of them were horrible; like crazy people, beating and insulting.

S.W: Did they attempt to interrogate you on a serious basis?

No.

S.W: Were they just terrorising you? Was that the idea?

Well, they were terrorising us, beating and threatening and prom-



ising to kill us and saying that we had to sign the confessions. They were not really interested in interrogating us or getting some information or anything like that.

S.W: Did you or any of the others require medical attention?

We were not that badly beaten compared to the others who were not deputies or some kind of important people as the policemen saw it. There were people who were very badly beaten. So we asked for a doctor to look at two of them. We didn't get the doctor for them, of course.

S.W: Why do you think you were released? And was everyone who was arrested with you released, or are there still some people being held?

[I'll come to that in a moment.] So, finally we managed to get the information about what was happening outside the police station - thanks to international solidarity work really. Because there were phone calls from all over the world, people calling from America, Japan, England, someone called from the German Embassy in Moscow. There were even people calling from the presidential administration of Yeltsin saying that they had to stop that because it was turning into a scandal and that it was counter-productive to keep us there. There were also Russian journalists who called, though they knew the situation was very bad. Some people came to the doors of the police station and tried to get there. They were not allowed to get in. So they were standing facing the policemen with machine-guns, demanding the right to see us. Finally they released us, they said there were no charges, there was nothing. They just released us. ...

We insisted, and made it a condition, that everybody who had been taken in the car had to be released. They released everybody except the driver, Leonid Ilchenko, who was accused of stealing the car, which as far as I know is false. He is still in prison, and was very badly beaten up. Later we learned that somehow they'd managed not to release - or probably first release and then rearrest - another person, Anatoly Shonshen, who has disappeared since then. Now we are trying to help those who have not been released. That also needs international solidarity. People who are known are treated better, but if you are not known and don't have influential friends, you face a very serious risk.

S.W: Who do you think issued the order for your arrest?

I can't tell exactly. I know this is the system which tried to arrest all the political figures of the opposition, all the deputies of any importance in Moscow Soviet and in the Russian Parliament. I am not sure that they knew who we were when they detained us. But then they probably informed somebody in the police headquarters, or probably in the Moscow government, and they were given some instructions as to what to do with us. So, that is how the whole mechanism works.

S.W: The information we have is that now there are several banned organisations along with the banned newspapers, and included in those organisations are the Party of Labour, perhaps...

The Party of Labour's situation is a bit funny because we are not registered. The Ministry of Justice refused to register us.

S.W: So because you are not registered, you can't be banned?

Exactly. That is how it happens in Russia!

S.W: It is an irony! Is Yeltsin using this opportunity to mop up all opposition to his policy?

Of course. Yeltsin in fact succeeded in paralysing every opposition organisation in terms of their legal activity. Because not only all are the daily newspapers of the opposition banned, not only are some - the most important - of the organisations of the opposition banned, the ones which are not banned are pushed into a situation where they just cannot function as normal organisations. And they will not be allowed to participate in the elections, as far as I know. Opposition organisations will not be included in the list of candidates for the elections. As far as I know, they stopped registering political organisations and lists of candidates for the elections yesterday. By last night they had only two lists - both pro-government.

S.W: So, in other words, this will be an election in which there will be no opposition parties?

Yes. Supposedly, there will be only one candidate in most constituencies, or at least in some constituencies. There will be either one list or just two lists, both pro-Yeltsin; the political forces supporting the reforms being allowed to participate. "Supporting the reforms" meaning supporting Yeltsin, supporting the repression, supporting the banning of newspapers.

S.W: If this is going to be a farce and not a democratically contested election, what is the purpose of it? Is the election being held for Western consumption? Is it so that they can continue to get credits from the West?

I think that is the only one purpose of it. It is just a show to enable people like Clinton to continue naming this dictatorship a perfect democracy. It is very interesting, because people quite well know what were the elections, say, in South Korea under the dictatorship, or in Brazil, or in South Africa,

etc. Everybody knows that you could have elections under dictatorship, without allowing any competition, any opposition. In the Soviet Union we had elections. At the same time Western politicians like Clinton just pretend that they are so naive as not to know that. It is total hypocrisy. One of the main lessons of the events of September-October in Russia is that we have learnt about the total moral collapse of the Western political elite. And you know that people like me, we never had extreme illusions about the West and about Western democracies. But even for us it was kind of striking how hypocritical and how undemocratic basically Western leadership is. I think it is something to be discussed by the Western public, because I think it is for the first time, at least in the history I know, that Western leaderships not only support a dictatorship, not only support a coup d'état - which is something which happened very often - but support it publicly, making statements about it, calling it a democracy. Well, they supported Pinochet, they supported South Africa, they supported the South Korean dictatorship. But at least they never called that democracy, at least they were not making public statements about Pinochet's coup being a step forward towards democracy in Chile. This time they are so hypocritical as to name that a step forward to democracy. Banning the newspapers, banning the opposition, repressing people, arresting about 3,000 people as far as I know, up to now - all that is called a tremendous progress towards democracy. So we will never forget and never forgive that. I assure you. Even people who have not been socialists (not even social democrats) in newspapers like *Novo...* which is a fairly liberal newspaper, in the good sense of the word, even they say that there is a tremendous frustration with the West in Russia and a tremendous bitterness, that people feel that they were betrayed, that the West is against any democratic progress in Russia, and that this will not be forgotten or forgiven for generations.

S.W: I am glad that you are making that statement so strong. Most people, the more progressive, in the United States have been horrified by the hypocrisy of Clinton and, of course, of other Western governments too. Clinton said that not only does he support Yeltsin but in a similar situation he would do the same thing. And of course that was quite a shock for people...

One of the ways they have been able to get away with it here is to paint a picture of Russia being made up of democrats who support Yeltsin and everyone else being Communist hard-liners or fascist hard-liners, and that there is nothing in between. And it is very difficult to get through when the entire Western press goes along with this image. I'd like for you to try to give us some idea of the constellation of forces as they exist and who was active in this whole process of September and October?

The parliament in Russia, the parliamentary side, just represented the society - the whole of society. And, of course, it included left-wing and right-wing extremists. It includes liberals, quite a lot of pro-Western liberals, even a lot of free-marketeers. [It includes]

Issued monthly
in Persian, with
a supplementary
English section.

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol.4, No.41, November 1993

۱۳۷۲، آبان ۴۱، سال چهارم، شماره ۴۱

Sweden	SKr14
Denmark	DKr15
Germany	DM3.5
Britain	£1.5
France	FF14
USA	US\$2
Canada	C\$2.5
Other non-European	\$2.5

DKr15
DM3.5
£1.5
FF14
US\$2
C\$2.5
\$2.5

IN BRIEF

Germany

The German Volks Wagen has threatened the VW workers either to accept a four-day week with wage cuts or a 30 per cent reduction in the workforce! The company said it needs 103,000 workers in 1994 and only 72,000 by the end of 1995.

More than 100,000 building workers converged on Bonn on October 28 in protest against the social spending cuts intended by the government. The workers denounced the plans to cancel the "bad weather" money which is paid as an alternative to unemployment benefit in the winter months.

Spain

Unions in Spain have called for nationwide demonstrations on November 25 in protest against the government's economic policies. The government is trying to negotiate a so-called social pact with the unions to worsen the labour law and keep wages below the inflation rate.

Israel

Thousands of angry workers from Israel Aircraft Industries blocked runways and stopped flights at Tel Aviv international airport on October 21 in protest against a government plan to cut 4,000 jobs and reduce wages by 15%.

Italy

A four-hour general strike on October 28 by Italian workers in protest against the 1994 austerity budget brought much of industry, banks and public services to a standstill. Demonstrations were held in all the major cities.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.

YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds. YOU CAN help distribute Worker Today in your area.

YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.

YOU CAN send us your articles and reports.

YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.

YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

With the massacre of Parliament's defenders,

Western democracy takes hold in Russia!

Russia is moving towards setting up a Western-style democracy. There should be no doubt about that. It is only such a system that reassures Western capital of the nature of a future Russia and of the position it is seeking in the post-Cold War world. And Russia today needs the West to have this peace of mind - if it is to survive economically. For the people in Russia this is so obvious that, despite their hatred of the market and even of Yeltsin himself, in the final analysis they are not prepared to try another way and another faction; so obvious that the army, in an unprecedented operation, is driven into massacring hundreds of Russian citizens whose slogans probably have a wide sympathy within the army itself.

But if anyone has identified the prospect of Western democracy in Russia with a liberalization of the Russian political climate, and is now baffled by the savagery of the Yeltsin coup - and this includes a large spectrum of left-liberals and dim-witted intellectuals, especially outside of Russia - has only his/her own illusions to blame.

In the largest part of its history and right now in most countries of the world, democracy has this present Russian meaning and application. In Western democracies the ruling class's tolerance of any manifestation of civil liberties and human rights is directly related to capital's functioning and profit-making. The world of Western democracy is the world of mandatory elections, of governments of secret-police and military organisations, of bootlicker and pro-establishment mass media, of atomized, despondent and downtrodden citizens. One should look at Turkey, Korea, Japan, the whole of Latin America, Central and Southern Europe, even at Western Europe and the USA themselves, and at the political consequences of the economic recession in these countries. The market capitalism in Russia is to be built upon the crushed bones of the Russian working class. The Yeltsin coup laid the foundation stone of the only realistic model of Western democracy in Russia, and for this very reason, as a triumph of democracy, received the unsparing support of



all the governments and of the entire political élite of the West. The democracy in Russia is not moving towards the liberal model of the West-European countries. On the contrary, with the recession and crisis that has engulfed the Western world, it may well be that Russia today provides the image of

the future of Western democracy in Europe.

Translated from the editorial column of *International*, paper of the Worker-communist Party of Iran, double issue 8&9, Oct 93. The editor of *International* is Mansoor Hekmat.

Air France strike wins

WT News Service:

Striking workers at Air France won a major victory after forcing the government to take back its plans to cut the jobs of 4,000 workers by the end of next year. The chairman of Air France and chairman of Air Inter both resigned after the withdrawal of the plan. The plan also included cuts in overtime pay and bonuses.

The government's back down came as the strike by ground staff, in its second week, was due to be joined by pilots and cabin staff and by unions at Paris airport authority

and at Air Inter - according to the *Financial Times*. On October 21st riot police moved in to block protesting workers from runways at the two main airports in Paris. Striking ground staff blocked many of the roads to the airports for several hours. A number of Air France workers were reported hurt in clashes with riot police.

Ground staff at Orly airport said they would seek written guarantees that there would be no forced job cuts in a new plan which the government said it will negotiate with unions over the next 3 months. ■

Wave of job cuts in Iran

WT News Service:

The wave of factory shutdowns and lay-offs is continuing in Iran. In the past few issues of *WT* we have reported on the job cuts in the various industries. Some of the reports below have also appeared in the state press.

■The Workers of Ahvaz Housing Construction, of the Melli Group and of Khuzestan Sack Manufacture are to lose their jobs under what is described as "moderation in the workforce of industries".

■Neka Plastics, with 60 workers, in the northern province of Mazandaran shut down in August because of shortage of foreign currency.

■After the laying off of 90 workers of Ray Leather Manufacture the workers on 11 September held a protest gathering in front of the local labour ministry. Since then the ministry has ruled in favour of the workers' reinstatement. Never-

theless the plant management still refuses to allow the workers to go back to work, despite their assembling at the factory gates every day.

■80 of the 130 workers of Shahid Bahonar Industrial Complex have been sacked. The management blamed the lay-offs on outstanding bank debts and worn-out machinery.

■Naazpoosh clothing factory in the Caspian Sea port of Bandar Anzali has stopped producing since 23 September due to lack of raw materials. The 270 workers of the plant who are being laid off are holding protest gatherings in the factory premises on a daily basis. Also the wages for the past few months have still not been paid. The plant belongs to the National Industry Organisation.

■The 285 workers of Lorestan Leather and Hide factory lost their jobs following the plant's closure in September.

On Israel-PLO peace deal

The significance of the Middle East peace plan does not lie in the fact that it solves the national question of the Palestinian people. The present plan makes no such claims, and in concrete terms doesn't give the Palestinians much. Also, the negotiations regarding a lasting situation and the formation of an independent Palestinian state in the West Bank and the Gaza Strip do not immediately put an end to the inferior status of Palestinians in Israel and the region as a whole; nor will they lead to an end to national protest from the standpoint of the oppression suffered by the Palestinians. A Palestinian state and a Palestinian national question can exist side by side for a long time.

What makes this plan significant is that it reduces the Palestinian national question to its actual political dimensions. It frees it of all that regional and global implication and significance that the more fundamental confrontations - the Cold War and the Arab-Israeli conflict - had inevitably given it. In this sense, the national question can now be solved, it can become secondary, and - most important for the working class and working people of the region - it can become overshadowed by the more important political realities - like the fact that even without the Pal-

estinian question, Israel will still be a tribal-racial regime that must be liberated and changed by the class forces in Israel, that the despotic and reactionary Arab and Islamic states have not only no kinship with the oppressed people in the region but that for long they had turned the Palestinian question and the privation and oppression suffered by the Palestinian masses into a political business and a means of preserving their domination, that freedom and welfare can be won not through "one's own government" and "national liberation" but through social revolution and the liberation of Man from class system.

The outcome of the current process may well be something other than the solution of the Palestinian question. But the very fact that the issue has been entrusted to a political channel and to the direct negotiation of the involved parties, at least frees the working class and socialists in the region from the straitjacket of the "Palestinian question".

Translated from the editorial column of *International*, paper of the Worker-communist Party of Iran, double issue 8&9, Oct 93. The editor of *International* is Mansoor Hekmat.

Russia, Yeltsin and the West

Interview with Boris Kagarlitsky p.15